

هشدار امام!

(...دعواهای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد)

... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما

برای خدا است ما برای مصالح اسلامی دعا

می کنیم ... دعوی من و شما و همه کسانی که

دعوا می کنند همه برای خودشان است...»

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



سپاسی. اجتماعی. فرهنگی

سال سی و دوم / شماره ۱۷

شماره مسلسل ۱۴۱۶

نیمه اول آذر ماه ۱۳۹۰

۲۰۰ تومان



تقدیر از دو شخصیت تقریبی؛ علامه مظفر و شیخ محمد عبده

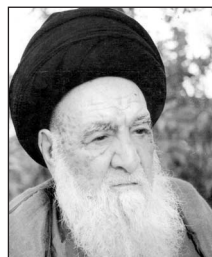
رونمایی از تازه های انتشارات دانشگاه مذاهب
اسلامی در همایش علامه عبده و علامه مظفر

صفحه ۲

امام جمعه شهرستان خوی:

کنگره بین المللی
آیت الله العظمی
خویی برگزار شود

صفحه ۱۱



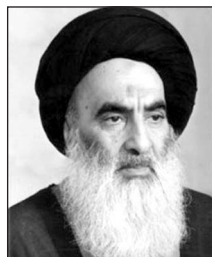
خاطره ای از دیدار با

آیت الله سیستانی و نظر ایشان
راجع به فلسفه و عرفان:

عرفان

تیغه دو لبه است

صفحه ۴



رئیس شورای اسلامی فلسطین در لبنان:

سید حسن نصرالله؛ الگوی مستضعفان
برای رسیدن به کرامت انسانی و آزادی

صفحه ۱۰

شهید برهان الدین
ربانی؛
نماد جهاد و صلح

استاد سید هادی خسروشاهی

صفحه ۶



گفتگویی با معاون
بین الملل مرکز
تحقیقات کامپیوتری
علوم اسلامی

صفحه ۱۱



استاد دانشگاه اسلامی لبنان:

انقلاب بحرین در
میان تحولات منطقه
یتیم مانده است

صفحه ۹



قیام امام حسین (ع): نهضتی فراشیعی برای صیانت از کل امت اسلام

جامعه و امت اسلامی است که به صورتی
آشکار در روز عاشورا وجود دارد.

مبلغی با بیان این که نتایجی را که امام
حسین به بار نشانند، نتایجی برای تاریخ امت
اسلامی است، اظهار کرد: اگر بپذیریم که هر
قیامی غایات و نتایجی دارد و آن غایات و
نتایج، جدای از خود قیام نیست، مشاهده
می کنیم که اهداف یا نتایج حاصل شده از
واقع عاشورا، میراث اسلامی را از یک مسیر
انتخاب شده رویه نابودی توسط آل ابی سفیان
نجات داد و مانع شکل گیری یک جاهلیت
جدید و مسیر خشونت بار شد و راه اسلام را
باز کرد؛ راهی که در آن شیعه و اهل سنت هر کدام
فرصت های خود را داشتند.

مدیر مرکز تحقیقات مجمع جهانی تقریب
مذاهب اسلامی، افزود: نتایج اسلامی این قیام، یک
نتایج از پیش ترسیم شده، تعیین شده و یا خواسته
شده برای امام (ع) بود و ایشان خود، به اصلاح در
امت جد خود و جلوگیری از جاهلیت و موارد
دیگر اشاره کرده است و با مد نظر قرار دادن این
مباحث، درمی یابیم که محور قیام عاشورا از آغاز
معطوف به امت و پایان گرفته با نتایجی برای امت و
درون مایه های آن نیز در اثناء و مراحل خود کاملاً
معطوف به امت بوده و ما امروز باید به این قیام،
وجهه اسلامی و بین مذهبی و حتی بین انسانی
بدهیم تا بتوانیم حق آن را ادا کنیم.



را در سخنرانی ها یا تک جملات خود ارائه کرده و
در آن جا بحث امت پیامبر (ص) و بحث فرزند
پیامبر (ص) این امت را مطرح می کنند و خطبه ها و
سخنرانی های ایشان همه از یک تقسیم بالاتر - و نه
یک تقسیم پایین تر و مذهبی - انجام می گیرد.

وی با بیان این که این امر نشان می دهد که امام
حسین (ع) قیامی را برای یک امت کرده و فضای
کل جامعه اسلامی در این قیام مطرح بوده،
خاطر نشان کرد: این بدان معناست که ممکن است
در یک جامعه ای، شیعه و سنی در یک جهت قرار
بگیرند و دشمنانی داشته باشند که بخواهند اصل
دین و اصل امت بودن آنها را از میان بردارند. پس
ادبیات امام حسین (ع) در روز عاشورا یک ادبیات
اسلامی و ادبیاتی شکل یافته با توجه به فضای

مبلغی با بیان این که بر اساس منابع
تاریخی بسیاری از کسانی که با امام (ع)
همراه شدند، در ابتدا شیعه اعتقادی نبودند و
بعدها در این سلک قرار گرفته و جزء
اصحاب شدند، افزود: مرحله جذب افراد
برای مشارکت در قیام صرفاً بر اساس
قابلیت های حضور در این قیام و نه بر اساس
تفکیک بین شیعه و غیر شیعه بوده و البته
طبیعی است که شیعه آمادگی و استعداد
بیشتری برای حضور در این قیام داشته است
و کسانی که شیعه نبودند نیز با افزایش
آگاهی نسبت به امام (ع) و حرکت ایشان،
خود به خود در این سلک قرار می گرفتند.

رئیس مرکز تحقیقات مجلس شورای اسلامی
اضافه کرد: امام حسین (ع) در مقابله با دشمنان
خود، چنین نبود که بر عنصر اعتقادی تکیه کند و
بخواهد قوم اعداء را با عنوان مذهبی یاد کند؛ بلکه
آن ها را به عنوان طرفداران یک انسان جدا شده از
پیامبر (ص) و شیعه آل ابوسفیان مورد خطاب قرار
می داد که ماهیت آن ها از پیش توسط امام علی (ع)
افشا شده بود و خارج از امت اسلامی و در مسیر
ضربه زدن به پیامبر (ص) و دین پیامبر (ص) حرکت
می کردند و این نکته ای بسیار درس آموز است.

وی به ویژه صحنه روز عاشورا را صحنه ای
اسلامی و نه صحنه ای شیعی یا سنی دانست و ادامه
داد: امام حسین (ع) در روز عاشورا این مرزبندی ها

امام حسین (ع) قوم اعداء را با عنوان مذهبی یاد
نکرد، بلکه آن ها را با عنوان طرفداران یک انسان
خارج از امت اسلامی، جدا شده از پیامبر (ص) و
شیعه آل ابوسفیان مورد خطاب قرار داد و از همین
روی صحنه عاشورا، صحنه ای اسلامی و ورای
مرزبندی های فرقه ای است.

حجت الاسلام والمسلمین احمد مبلغی، مدیر
مرکز تحقیقات مجمع جهانی تقریب مذاهب
اسلامی، در گفت و گو با خبرنگاری قرآنی
ایران (ایکنا) با اشاره به جنبه تقریبی قیام حضرت امام
حسین (ع) اظهار کرد: پاسخ امام حسین (ع) به دعوت
دعوت کنندگان کوفی نشان می دهد که در فضای
امت اسلامی، سرنوشت واحدی برای امت وجود
دارد و پاسخ گفتن به خواست و دعوت یک
مجموعه - ولو غیر شیعی - از یک جایگاه بالا و
اسلامی برخوردار است و در ارتباط با مجموعه های
شیعه و سنی، تعامل یکسانی در عرصه های
اجتماعی از سوی امام (ع) صورت گرفته است.

وی با بیان این که امام حسین (ع)
دعوت کنندگان شیعی و غیر شیعی را دوشادوش
می دیده است و با یک ادبیات و یک تعبیر از آن ها
یاد می فرموده اند، افزود: در اثنای حرکت امام (ع)
نیز مشاهده می کنیم که ایشان در مرحله فراخوان
برای جلب و جذب طرفدارانی در جهت مشارکت
در این قیام، باز هم با طیف های مختلفی، ارتباط
عام و چندسویه برقرار کرده اند.

تقدیر از دو شخصیت تقریبی؛ علامه مظفر و شیخ محمد عبده

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با تقدیر از شخصیت تقریبی دو عالم برجسته جهان اسلام یعنی علامه مظفر و علامه عبده، تلاش ایشان را برای ایجاد تقریب مهم ارزیابی کرد.

دکتر سید محمد حسینی در سخنانی در همایش علمی تجلیل از علامه شیخ محمد عبده و علامه شیخ محمد رضا مظفر، که یکشنبه ششم آذرماه، در سالن ماموستا شیخ الاسلام دانشگاه مذاهب اسلامی برگزار شد، اظهار داشت: تجلیل از بزرگان از آموزه های قرآنی و پیامبر(ص) و ائمه(ع) است.

وی تجلیل از این دو چهره اسلامی بزرگ را اقدامی ارزنده دانست و خاطر نشان کرد: عبده از پایه گذاران 'دارالتقریب' است و شیخ محمد رضا مظفر نیز با آثار علمی خود، گام عملی مؤثری در معرفی معارف اهل بیت(ع) به دور از مطاعن برداشته است.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در ادامه بیان داشت: براساس تاکیدات مقام معظم رهبری ما باید به بزرگان علمی خود احترام گذاشته و از آنان تقدیر کنیم لذا وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به موضوع تجلیل و بزرگداشت مفاخر و مشاهیر کشور و جهان اسلام اهتمام دارد و انتخاب نجف به

عنوان پایتخت فرهنگی جهان اسلام در سال ۲۰۱۲ ▲ از راست: آیت الله واعظ زاده خراسانی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، استاد خسروشاهی نیز فرصت خوبی برای تجلیل از بزرگان و مفاخر اسلامی از جمله شیخ طوسی موسس حوزه علمیه نجف است. وی در ادامه به اقدامات تاریخی و ضد استعماری عبده و مظفر اشاره و تصریح کرد: محمد عبده در کنار سید جمال الدین اسدآبادی به مبارزه و ظلم ستیزی علیه استعمار پرداخت و با انتشار نشریه 'عروهلوقفی' در فرانسه نمود یافت. علامه مظفر نیز نسبت به مبارزات اجتماعی و مسئله بیداری جهان اسلام بی تفاوت نبود و مبارزه با نفوذ صهیونیسم و حمایت از حرکت انقلابی امام(ره) نیز از دیگر موارد است.

وزیر فرهنگ اثر تقریبی محمد عبده یعنی 'شرح نهج البلاغه' را از آثار برتر تقریبی علامه عبده برشمرد و گفت: او باب اجتهاد را مفتوح می دانست و با توجه به مقتضیات زمان، طرح مباحث جدید را لازم می دانست و آرزوی او وحدت مسلمانان عالم و به ویژه اتحاد ملت مصر در برابر استعمار بود. وی به دیگر اقدامات تقریبی عبده اشاره کرد و افزود: وی 'جمعیه التقرب بین اهل الاسلام و اهل الکتاب' را تاسیس کرد؛ محمد عبده دغدغه های آموزشی، تربیتی و فرهنگی را بر روحیه انقلابی و سیاسی ترجیح می داد.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در ادامه سخنان خود شیخ محمد رضا مظفر را شخصیتی چند بعدی توصیف کرد و گفت: او هم فقیه و اصولی بزرگ و هم ادیب و شاعر بود و یکی از دلایلی که آثار ایشان مورد اقبال قرار گرفته، این است که هم به محتوا و مضمون و هم به شکل ظاهر توجه کرده است. وی افزود: ایشان کتاب اصول خود را در جهت پر کردن خلأ بین 'معالم' و 'کفایه' نگاشت و مجموعه آثار او از اصول و کلام گرفته تا شعر و شرح حال بزرگان، آثاری ارزشمند محسوب می شوند.

وزیر فرهنگ در پایان گفت: علامه مظفر در کنار فعالیت های علمی و آموزشی، به مسائل اجتماعی نیز توجه داشت و علی رغم اینکه در نجف اشرف حضور داشت حمایت از حرکت روحانیت انقلابی در ایران از جمله نشانه های این امر است.

از آموزه های تقریبی علامه مظفر و عبده استفاده شود
دکتر عبدالکریم بی آزار شیرازی، رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی نیز در این همایش گفت: این جلسه به مناسبت تجلیل از دو عالم با اخلاص یکی از نجف اشرف به نام علامه مظفر و دیگری از الازهر شریف به نام علامه شیخ محمد عبده که هر دو آنها از فلاسفه بودند و اصلاحات مهمی در این حوزه جهان اسلام پدید آوردند، برگزار می شود.

وی با اشاره به جایگاه والای علمی این دو عالم تاکید کرد: از آموزه های تقریبی علامه مظفر و عبده استفاده شود.

وی افزود: تفسیر تقریب گرای شیخ محمد عبده از جمله آثار مهم وی است که تلاش می کند قرآن را از افکار فرقه ای رها کند. دبیر علمی این همایش در ادامه خاطر نشان کرد: از جمله کتابهایی که علامه مظفر نوشته درباره منطق، عقاید، کلام بوده است. برخی از فعالیت های وی درس عملی تقریب برای همه مسلمانان بوده است.

وی با بیان اینکه شیخ محمد عبده در سهای فراوانی را از تقریب به ما آموخت که یکی از مهمترین آنها تفسیر تقریب گرای وی است، اظهار داشت: وی احیای فقه مقارن و فقه مقاصد را پایه ریزی کرد که شیخ شلتوت شاگرد وی راهش را ادامه داد.

دکتر بی آزار شیرازی به تلاش های علامه مظفر برای ایجاد تقریب در جهان اسلام اشاره کرد و گفت: وی کتاب العقائد الامامیه را به رشته تحریر درآورد که عقائد شیعه را به دور از مطاعن به جهان اسلام معرفی می کرد.

در ادامه دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی، استاد فلسفه، در



سخنانی گفت: نام محمد عبده بسیار زیبا و هوشمندانه انتخاب شده است، زیرا عبودیت خداوند، اصل اساسی اسلام است.

وی با اشاره به خدمات فرهنگی و دینی شیخ محمد عبده و شیخ محمد رضا مظفر به جهان اسلام، اظهار کرد: حرکت های اصلاح گرایانه عبده، مسافرت های او به کشورهای مختلف در راستای روشنگری و همکاری او با سید جمال الدین اسدآبادی در انتشار روزنامه 'عروه الوثقی' همگی تاثیرات ژرفی در ترویج اندیشه تقریب میان مذاهب اسلامی داشتند.

وی در بیان ویژگی های آثار شیخ محمد رضا مظفر گفت: درباره اصول دین کتاب های زیادی نوشته شده اند اما عاملی که باعث شد کتاب های علامه مظفر سال ها منبع درسی حوزه و دانشگاه باشد، قلم خوب و روان و ذوق سرشار اوست.

دکتر دینانی در ادامه به ارایه مطالبی درباره معنای تقریب پرداخت و اظهار کرد: تقریب 'کلمه مبارکی است و همه انبیا برای تقریب مبعوث شدند. البته کج فهمی ها در برداشت ما از معنای تقریب باید برطرف شوند. تقریب به معنی شیعه شدن سنی ها و سنی شدن شیعیان نیست زیرا تغییر عقیده بسیار دشوار است و در تاریخ به ندرت اتفاق افتاده است.

این استاد فلسفه افزود: تقریب به این معنی است که انسان ها در برخورد با یکدیگر تعصب به خرج ندهند، زیرا ریشه تمامی ناکامی ها در تعصب، و تعصب نتیجه جهالت است و آنان که روح عمیق انسان را نمی شناسند و با اخلاق آشنایی ندارند، تعصب می ورزند.

وی با تاکید بر این که هیچ مذهبی را نمی توان عاری از اختلاف دانست اظهار کرد: پابندی قبیله، کسب غنیمت و داشتن عقیده، سه عامل اختلاف در ادیان بوده و هستند که از این میان 'عقیده' را عامل صحیحی می دانم، البته عقیده ای که با آگاهی همراه باشد، زیرا اعتبار عقیده به آگاهی است.

دینانی با بیان اسلام به عنوان یگانه دینی که بر آگاهی، تعقل و تدبیر بیش از هر امر دیگری تاکید می کند، گفت: در قرآن نیز تاکید فراوانی بر تدبیر شده و به همین دلیل این کتاب، ابدی و محمد(ص) خاتم الانبیاست. با بعثت رسول اکرم(ص) سلسله پیامبران ختم شد زیرا حضرت محمد(ص) آگاهی را به حد کمال رساند. آگاهی میراث مسلمانان است، هر چند تازمانی که آگاهی در ما درونی نشود، مالک آن نیستیم.

دینانی در پایان گفت: در دنیای سهمناک و پر آشوب امروز، با توسعه اندیشه تقریب مذاهب می توانیم پایداری بمانیم و حرفی برای گفتن داشته باشیم، این حرف ماندگار، معنویت است که با آن می توان دنیا را نجات داد.

گفتنی است در این همایش از علامه شیخ محمد عبده و علامه شیخ محمد رضا مظفر، شخصیت هایی چون آیت الله تسخیری، آیت الله واعظ زاده خراسانی، حجت الاسلام موسوی قائم مقام مجمع تقریب، معاونان و مسئولان این مجمع، غلامحسین ابراهیمی دینانی، استاد سید هادی خسروشاهی و جمعی از اساتید و علمای شیعه و سنی حضور داشتند.

رونمایی از تازه های انتشارات دانشگاه مذاهب

اسلامی در همایش علامه عبده و علامه مظفر

دانشگاه مذاهب اسلامی به منظور گرامیداشت بزرگان علمی و فرهنگی جهان اسلام و ترویج فرهنگ تقریب بین مذاهب اسلامی، همایش علمی تجلیل از علامه شیخ محمد عبده و علامه شیخ محمد رضا مظفر را در روز ۶ آذر برگزار کرد. در این همایش از ۴ عنوان کتاب که به همت اداره کل امور پژوهشی دانشگاه مذاهب اسلامی منتشر گردیده اند، رونمایی شد.

عناوین و معرفی کتب به شرح ذیل می باشد.

رمز بیداری (زندگینامه علامه شیخ محمد رضا مظفر) - تالیف حجت الاسلام والمسلمین محمد باقر پور امینی



اثر ارزشمند رمز بیداری، کوششی است از سوی محقق گرانقدر جناب حجت الاسلام والمسلمین محمد باقر پور امینی که در راستای شناخت هرچه بیشتر آن اسوه علم و اخلاق به رشته تحریر در آمد.

همچنین ترجمه دست نوشته ها و یادداشت های روزانه علامه به عنوان پیوست به کتاب ضمیمه گشته است.

تاریخ عثمانی و خاورمیانه - تالیف دکتر محمد امیر شیخ نوری از اساتید گروه تاریخ اسلام دانشگاه مذاهب اسلامی



ظهور امپراطوری عثمانی و تسلطش بر اغلب سرزمین های اروپا و آسیا از جمله مهم ترین رویدادهای تاریخ به شمار می رود.

کتاب ارزشمند تاریخ عثمانی و خاورمیانه کوششی است عالمانه توسط دکتر شیخ نوری که با سابقه درخشان علمی و پژوهشی اقدام به واکاوی برشی از تاریخ نمود.

این پژوهش دارای چهار فصل می باشد. در فصل اول با عنوان آسیای صغیر در سده پنج هجری به تاریخ ترکان و نحوه قدرت یافتن ترکان در آناتولی و پیدایش امیر نشین های مستقل ترکمن در آناتولی پرداخته شده است.

در فصل دوم، به تشکیل امپراطوری عثمانی و سقوط قسطنطنیه و قدرت یافتن عثمانیها و دوران ضعف عثمانیها، ترکان جوان، زوال تدریجی و جنگ جهانی اول و سیاست عثمانیها بحث شده است.

فصل سوم به پیدایش دولتهای عربی و استقلال آنها، که تحت سلطه امپراطوری عثمانی بودند و سپس به کمک استعمارگران اروپایی دارای دولتهای مستقل وابسته به استعمار شدند، اختصاص دارد.

در فصل چهارم، درباره حضور ترکها در جنگ جهانی دوم، جهان عرب در جنگ جهانی دوم و در نهایت مسئله فلسطین بحث شده است. که نتیجه آن، آوارگی یک ملت به نام فلسطین و تشکیل دولتی سرسپرده و ننگبانی برای حفظ منافع کشورهای استعماری و بخصوص آمریکا در منطقه است.

روش تحقیق در این پژوهش، تاریخی است و با توجه به این که این درس مصوب وزارت علوم و آموزش عالی می باشد، مطابق سرفصلهای وزارت علوم تدوین یافته است. در این تحقیق از ۱۷۵ کتاب فارسی، ۲۲ کتاب به زبانهای انگلیسی و فرانسه، ۸ مقاله فارسی و یک مقاله به زبان فرانسه استفاده شده است.

الفقه الحنفی للصف الاول - تالیف استاد مولوی محمد اسحاق مدنی، مدیر گروه فقه و حقوق حنفی دانشگاه مذاهب اسلامی



کتاب حاضر که به همت استاد مولوی اسحاق مدنی، استاد فقه حنفی دانشگاه مذاهب اسلامی تالیف گردیده، از آثار ارزشمندی است که برای آشنایی با فقه حنفی بسیار مفید و ارزنده می باشد.

این اثر علمی با ۲۱ فصل تنظیم گردیده و با شرح حال امام ابوحنیفه و برخی از مهمترین شاگردانش و مشخصات و ویژگی های فقه حنفی شروع می گردد.

آشنایی با طبقات فقهی و نیز مهم ترین آثار فقه حنفی و مبادی آن از مباحث دیگر کتاب می باشد که با بررسی فقهی موضوعات ادامه پیدا می کند.

مجموعه مقالات همایش علمی علامه شیخ محمد عبده و علامه شیخ محمد رضا مظفر - تالیف جمعی از نویسندگان



در جهت بزرگداشت شخصیت های تاثیر گذار و تحول آفرین و شخصیت هایی که دغدغه دینی را در سر داشتند، دانشگاه مذاهب اسلامی که برخاسته از اندیشه زیبایی تقریب است، برای شناخت هر چه بیشتر از پیشگامان این امر، در صدد برگزاری همایش علمی بزرگداشت علامه شیخ محمد عبده و علامه شیخ محمد رضا مظفر بر آمد.

بدین منظور دبیرخانه همایش از سال ۱۳۸۹ تشکیل و پس از تهیه و تنظیم عناوین پیشنهادی، اقدام به فراخوان مقاله نمود.

از میان مقالاتی که از سوی صاحب نظران بزرگوار حوزوی و دانشگاهی اعم از شیعه و اهل سنت نگاشته شده و به دبیرخانه همایش ارسال گردیده، پس از ارزیابی علمی حدود بیست مقاله برای درج در مجموعه مقالات پذیرفته شده است که در اختیار علاقمندان قرار می گیرد.

معرفت و شناخت، تحکیم اخوت و برادری را به دنبال دارد

همایش "پیامبر رحمت امت واحده" به همت مدیریت اهل سنت بعثه مقام معظم رهبری و با شرکت گسترده کاروان های اهل سنت کشور در محل بعثه در مدینه منوره برگزار شد.

در این همایش با شکوه که آیت الله استادی جانشین نماینده ولی فقیه و سرپرست حجاج ایرانی، حجت الاسلام حسینی شاهرودی نماینده ولی فقیه در کردستان و شماری از مسؤولان کشور حضور داشتند، مبنای تشکیل امت واحده تبیین شد.

آیت الله استادی جانشین نماینده مقام معظم رهبری و سرپرست حجاج ایرانی نیز در این همایش برگزاری نشست های مشترک را از برکات نظام مقدس جمهوری اسلامی و پرچمداری امام راحل و مقام معظم رهبری دانست و گفت: این نشست ها برکات فراوانی برای دنیای اسلام به دنبال دارد.

ایشان با اشاره به فلسفه عبادت در نظام خلقت گفت: نماز، روزه، حج و زیارتی که انسان انجام می دهد می بایست او را به هدف خلقت نزدیک کند و اگر غیر این باشد باید در شیوه ها تجدید نظر کنیم.

آیت الله استادی با اشاره به آثار تربیتی و اجتماعی حج گفت: این آیین الهی باید اثرگذار بر همه ابعاد زندگی انسان باشد و چنان چه این آثار در زندگی فردی و اجتماعی هویدا نشود باید در این باره تجدید نظر کنیم.

جانشین نماینده ولی فقیه و سرپرست حجاج ایرانی با اشاره به برکات اخوت مسلمانان گفت: برای این که صمیمیت جامعه اسلامی بیشتر شود باید نشست های مشترک شیعه و سنی افزایش و همه زیر پرچم اسلام گرد هم آییم و در اجتماعات شعارهای یکسان برای پیش برد اهداف اسلام تبیین نماییم. در این نشست ها زیبایی ها به تصویر کشیده شود و با محبت از گلایه ها صرف نظر شود.

آیت الله استادی با توصیه مسلمانان به مطالعه کتاب های پیروان مذاهب اسلامی گفت: معرفت و شناخت، تحکیم اخوت و برادری را به دنبال دارد، بنابراین تصمیم بگیریم کتاب ها یی که ایجاد حساسیت نمی کند را مطالعه کنیم تا در پرتو شناخت معارف، برادری ما تحکیم یابد.

ایشان با انتقاد از دسته بندی کتاب های اسلامی به نام مذاهب مختلف به مضامین عالی کتاب های اخلاقی فریقین اشاره و از روحانیت شیعه و اهل سنت خواست فرهنگ مطالعه کتاب های اخلاقی را در جامعه تبیین کنند.

آیت الله استادی علاقه به اهل بیت پیامبر (ص) را وجه مشترک همه مسلمانان دانست و با معرفی کتاب صحیفه سجاده امام زین العابدین (ع) گفت: این کتاب دربرگیرنده ۵۴ دعا از امام سجاده (ع) با مضامین عالی اخلاقی است، در این کتاب دویست مرتبه صلوات بر پیامبر و اهل بیت ایشان

تکرار شده و اگر بخواهیم شعار ما واحد باشد ضمن توصیه برادران و خواهران اهل سنت به استفاده از این کتاب، پیشنهاد می کنم یکی از علمای اهل سنت این کتاب را ترجمه و در اختیار برادران و خواهران سنی قرار دهد.

خداوند حیات طیبه الهی بشریت را در پرتو نبوت پیامبر گرامی اسلام به تصویر کشیده است

حجت الاسلام والمسلمین حسینی شاهرودی در آغاز این همایش پیامبر گرامی اسلام را زمینه ساز گسترش رحمت الهی برای زمینیان دانست و گفت: یکی از مسایل مهمی که خداوند از آغاز خلقت ما را بدان متوجه ساخته این است که امت را به سمت وحدت حقیقی پیش ببریم. نماینده مقام معظم رهبری در کردستان دعوت جامعه به سوی عبودیت را دغدغه انبیای الهی دانست و گفت: چنان چه جامعه به سوی این حقیقت پیش برود مشکلات فراروی جهان نیز رخت برخواهد بست. ایشان حیات طیبه را برترین هدیه انبیای الهی بویژه رسول گرامی اسلام دانست و گفت: خداوند متعال حیات طیبه الهی بشریت را در پرتو نبوت پیامبر گرامی اسلام به تصویر کشیده است.

حجت الاسلام والمسلمین حسینی شاهرودی با اشاره به تلاش های رسول خدا در زدودن جهل و نادانی از صحیفه قلوب مؤمنان گفت: متأسفانه بر اثر بی توجهی به آموزه های پیامبر اکنون جهالت مجدد احیا شده و بشر را به سمت تاریکی پیش می برد. وی دستاورد نظام سرمایه داری را مادی پرستی و هواپرستی دانست و تأکید کرد آموزه های اسلام ناب تنها راه رهایی بشریت از این مسیر تاریک است.

وی گفت: تدبیر خداوند این است که نظام واحد جهانی ترسیم کند و انسان ها زیر چتر حکومت الهی به رهبری پیامبر اکرم و با محوریت قرآن کریم به عنوان کتاب قانون بشریت گرد هم آیند.

نماینده ولی فقیه در کردستان جامع ترین اندیشه پیامبر را تبیین اصول وحدت اسلامی دانست و گفت: دشمنان رسول خدا (ص) به شیوه های مختلف این اصول را هدف قرار داده و تلاش می کنند انحراف در صفوف مسلمین اختلاف ایجاد کنند.

حجت الاسلام والمسلمین حسینی گفت: امروز معارف الهی با سه گروه مهاجم روبروست؛ گروه نخست کسانی هستند که در پی ابطال آموزه های دین هستند تا بشریت از سرچشمه معارف نورانی اسلام بی بهره بماند؛ گروه دوم تندروهایی هستند که در لایلای فرقه های اسلامی پنهان شده و با انحراف از اصول اسلام راستین، همه مسلمانان را کافر و مشرک می دانند. گروه سوم کسانی هستند که دین را نشناخته و از روی بی اطلاعی معارف ناب را ناقص ارایه می کنند.

ایشان شکل گیری انقلاب اسلامی را از برکات اندیشه امام راحل دانست و گفت: آن چه امام انجام داد تکیه بر این بود که این انقلاب مسیری را که پیامبر گرامی اسلام ترسیم فرموده است سپری کند.

نماینده ولی فقیه در کردستان انقلاب اسلامی را آینه ای دانست که در پرتو آن می توان وحدت حقیقی امت اسلامی را به نظاره نشست.

ماموستا شیرزادی امام جمعه اهل سنت مریوان نیز با اشاره به ابعاد گوناگون اخلاق نبوی آن حضرت را جامع همه کمالات دانست و گفت: دنیای اسلام باید به گونه ای برنامه ریزی کند که پیامبر گرامی اسلام، اهل بیت و صحابه آن حضرت الگوی زندگی همه مسلمانان قرار گیرد.

خدماتی که به حاجیان ایرانی ارایه می شود مایه رشک حجاج سایر کشورهاست

مولوی عبدالرحمان سربازی امام جمعه چابهار از دیگر سخنرانان این همایش بود. ایشان با اشاره به تلاش های مسؤولان حج در خدمات رسانی به حجاج گفت: خدماتی که به حاجیان ایرانی ارایه می شود مایه رشک حجاج سایر کشورهاست.

ایشان با اشاره به شخصیت بی بدیل پیامبر گرامی اسلام، رسول خدا را زمینه ساز عظمت بشریت دانست و گفت: آن حضرت زمینه ساز کامیابی و سعادت ماست و زندگی در سایه سار ایشان زندگی ها شیرین می شود.

امام جمعه اهل سنت چابهار محبت به پیامبر، اهل بیت و صحابه آن حضرت را سرمایه اصلی مسلمانان دانست و گفت: همین محبت مسلمانان را محبت به این چنین جایگاه والایی رسانده است.

مولوی عبدالرحمان سربازی با اشاره به حیات جاودانه پیامبر (ص) گفت: آن حضرت زنده است و پاسخ سلام ما را می دهد، حیات ایشان از حیات آدمیان برتر است.

ایشان با اشاره به برکات این سفر معنوی گفت: مجاورت پیامبر (ص) کدورت ها را برطرف می سازد. مسلمانان باید از شیوه تعامل رسول خدا (ص) با دیگران عبرت بگیرند و با مطالعه کتاب های یکدیگر، گرفتاری های ناشی از این بی اطلاعی ها را از بین ببرند.

زبان و قلب مؤمن باید سرشار از محبت به برادران او باشد

ماموستا سید اشرف حسامی نیز در این همایش پیام قرآن کریم را وحدت و برادری برشمرد و گفت: ما مکلف به اصلاح و ایجاد فضای برادری و برابری هستیم. هرکسی از اندیشه اصلاح به دور باشد خدا او را دوست ندارد.

ماموستا سید اشرف حسامی گفت: زبان و قلب مؤمن باید سرشار از محبت به برادران او باشد و جامعه اسلامی باید ترازوی اعمال خویش را با دوست داشتن یکدیگر سنگین نمایند.

شیخ احمد القطان:

حمایت علمای اهل سنت لبنان از حزب الله و مقاومت

رئیس جمعیت قول و عمل لبنان تأکید کرد: ما به عنوان مسلمان اهل سنت تأکید می کنیم که به سلاح مقاومت لبنان پایبندیم.

شیخ احمد القطان در دیدار با هیئتی از بقاع غربی طی سخنانی تصریح کرد: بان کی مون دارای موضعی بیطرفانه نیست. او در جهت حفظ منافع کشورهای غربی و به ویژه آمریکا کار می کند و بیانات اخیر وی دلیل روشنی بر این است که او خواستار ضربه زدن به تمامی نیروها و جنبش مقاومت در منطقه به ویژه حزب الله لبنان است زیرا وی یقین دارد که حزب الله دارای پایگاه بزرگ مردمی در منطقه و به ویژه در لبنان است.

رئیس جمعیت قول و عمل لبنان ادامه داد: قصد بان کی مون از گزارش اخیر خود این است که یک جنگ جهانی علیه حزب الله و جنبش مقاومت به راه یفتند، لذا ما به همه جهانیان اعلام می کنیم که به عنوان مسلمان اهل سنت، پیش از هر کس دیگری به سلاح مقاومت در لبنان پایبندیم زیرا سلاح حزب الله جزئی از زندگی ما و حتی جزئی از جسم و روح ماست و هر کس به عقب راندن آن راضی باشد، شرف و کرامت خود را از دست داده است. به همین دلیل هیچ کس در اندیشه این نخواهد بود که حزب الله را خلع سلاح کند چرا که این سلاح تا زمانی که یک رژیم غاصب به نام اسرائیل وجود دارد، باقی خواهد ماند و ما نیز از آن حمایت کرده و حتی واجب است که در صف مقاومت قرار گیریم.

شیخ قطان در خصوص مسائل سوریه خاطر نشان کرد: سوریه در معرض حملات کینه توزانه از سوی غرب است و تصمیمات جامعه بین المللی پاسخ مثبتی به دشمنان سوریه خواهد بود چرا که سوریه حامی جنبش مقاومت و مانع اجرای پروژه صهیونیستی - آمریکایی در منطقه است.

وی افزود: سوریه با همبستگی و حمایت ملت این کشور از بشار اسد قدرتمند خواهد بود. ملت سوریه سدی استوار در برابر تمام توطئه هایی است که این کشور را تهدید می کند.

شیخ قطان با تأکید بر اینکه جامعه عربی وابسته به ایالات متحده آمریکا است، نسبت به کشورهای قطر و عربستان سعودی هشدار داد و از آنان پرسید: شما در جنگ سال ۲۰۰۶ لبنان و زمانی که خانواده ها و زنان و کودکان ما در غزه کشته شدند، کجا بودید؟ شما در زمان مصیبت های مردم سومالی چه می کردید؟

معاون ایران مجمع جهانی تقریب:

برخی شبکه های ماهواره ای با رویکرد مذهبی مورد

حمایت آمریکا هستند



معاون ایران مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی گفت: برنامه های پخش شده از برخی شبکه های ماهواره ای همچون اهل بیت و یا برخی کانالهایی که برای اهل تسنن برنامه پخش می کنند با حمایت آمریکا و به طور خاص سازمان جاسوسی سیا اداره می شود و تنها هدف از پخش این نوع برنامه ها اختلاف افکنی بین شیعه و سنی است.

به گزارش خبرگزاری تقریب از سیستان و بلوچستان، حجت الاسلام سید حامد علم الهدی در نخستین نشست علمای شیعه و اهل سنت منطقه سیستان در شهرستان زابل اظهار داشت: در این برهه از زمان جنگ نرم دشمن به اوج خود رسیده به طوری که رسانه های غربی به طور علنی منکرات را ترویج می دهند و فیلم های هالیوودی به طور مرتب با هدف تاثیر گذاری بر فکر و روح مردم به ویژه جوانان پخش می شود.

وی افزود: به رغم هجمه ناجوانمردانه دشمنان اسلام علیه ارزشهای اسلامی، امروز جوانان مسلمان دنیا بیش از پیش هوشیارند.

وی ادامه داد: امروز به عنوان مثال، مصریها با عشق و علاقه در میدان التحریر جمع می شوند و ضمن برپایی نماز جمعه و جماعت علیه دولت آمریکا شعار می دهند.

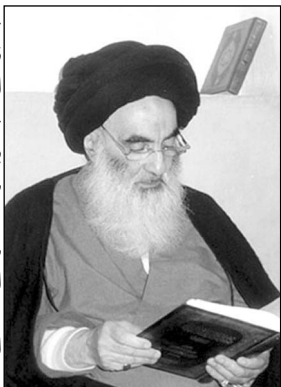
علم الهدی افزود: ما آنچه را که در کشورهای اسلامی در حال وقوع است به عنوان بیداری اسلامی می شناسیم اما رسانه های غربی به طور هدفمند آن را بهار عربی می خوانند و مدام بر طیل آن می کوبند و تبلیغات غیر واقعی سر می دهند تا آن را قیام عربی و نه اسلامی جلوه دهند.

معاون مجمع جهانی تقریب با تأکید بر لزوم گسترش نشست ها بین علمای اهل سنت و شیعه افزود: با مطالعه و بررسی تاریخ اسلام در می یابیم که در طول تاریخ، علمای بزرگ جهان اسلام حتی در حوزه های علمی به هم در ارتباط بوده اند و وحدت و همدلی آنان در زمان حاضر نیز بین عامه مردم ادراک شده و این صمیمیت به دفعات قابل مشاهده است. حجت الاسلام سید کاظم طباطبایی امام جمعه زابل نیز در این مراسم اظهار داشت: دشمن خوب می داند از چه راهی وارد شود و بین علمای تشیع و تسنن تفرقه ایجاد کند.

حجت الاسلام طباطبایی افزود: علما در فرهنگ سازی و نهادینه کردن وحدت، مسوولیتی خطیر دارند و با داشتن بصیرت خواهند توانست مشعل دار هدایت بشریت در جهان امروز باشند.

خاطره‌ای از دیدار با حضرت آیت الله سیستانی و نظر ایشان راجع به فلسفه و عرفان؛

عرفان تیغه دو لبه است



خاطراتی که از آیت الله خمینی نقل می‌شود - از جمله خاطراتی که اخیراً از عروس ایشان چاپ شده - حکایت از این دارد که تنقید ایشان به شرع مقدس، بسیار پر رنگ و شاخص بوده است، حتی نسبت به اعمال مستحبی و چیزهایی که در سنت اسلامی مکروه یا مستحب است خیلی حساس بوده‌اند.

بعد این خاطره مطرح شد - البته نه از زبان آیت الله سیستانی؛ -

حضرت امام، در جایی کنار دستشویی مشغول وضو گرفتن بودند، و بدن خود را به طور خاصی کج کرده بودند و به زحمت وضو می‌گرفتند. این امر برای ما که از دور نگاه می‌کردیم و می‌دیدیم ایشان با اینکه می‌توانند راست بایستند و وضو بگیرند خود را به طرفی کج کرده و با زحمت دارند وضو می‌گیرند، غیر قابل توجیه بود و نمی‌دانستیم ایشان چرا این کار را می‌کنند. لذا به امام گفتیم: آقا چرا خودتان را اینطور کج می‌کنید؟ جا که هست چرا صاف نمی‌ایستید و این قدر خودتان را زحمت می‌دهید؟ ایشان فرمودند: رو به قبله وضو گرفتن مستحب است و دستشویی اینجا طوری است که من وقتی می‌خواهم وضو بگیرم از قبله منحرف می‌شوم لذا برای اینکه به استحباب عمل بکنم و رو به قبله وضو بگیرم خودم را کج می‌کنم.

حضرت آیت الله سیستانی بر این مسئله خیلی تکیه و تأکید داشتند که عرفان باید اینطور باشد. مثل حضرت امام که عرفانش با شریعتش و شریعتش با عرفانش عجین شده بود. بعد آیت الله سیستانی فرمودند: بعضی‌ها عرفان را برای رسیدن به مناصب و مطرح شدن در معرکه‌ها و محافل و در یک کلام برای دکان داری، دنبال می‌کنند و من به شما عرض می‌کنم: دنیا طلی، اگر با عنوان دنیا طلی باشد در همان اندازه که معلوم است محکوم است. شخص از طریق دنیا وارد می‌شود و همان طور که هست، خود را معرفی می‌کند و ارزیابی ما هم نسبت به قضیه در همان حد و همان قواره است. اما دنیا طلی در قالب عرفان، در قالب دین و با تکیه بر مقدسات، محکومیتش صد چندان و مضاعف خواهد بود.

آیت الله سیستانی ادامه داد: بدترین نوع دنیا طلی، آن است که با حربه دین و عرفان صورت بگیرد. و باید عارف حقیقی از این آفت مبرا باشد، امثال آقای (امام) خمینی، آقای قاضی و ... اینطور بودند، دکان دار نبودند، واقعا اهل عرفان و معرفت و شریعت بودند.

مخالفت با عرفان همیشه بوده و هست، در برابر مخالفت‌ها برخورد احسان گونه داشته باشید
سپس آیت الله سیستانی گفت: مخالفت با عرفان همیشه بوده و هست و خواهد بود، ولی شماها باید در برابر این مخالفت‌ها و این تکفیرها، برخورد احسان گونه داشته باشید. تحمل کنید و احسانتان را بیشتر کرده و با مخالفان مدارا کنید که این مداراها و تحمل‌ها، اهانت‌ها و تکفیرها را تحت الشعاع قرار داده و خیلی از مشکلات و سوء تفاهم‌ها را از بین می‌برد. خدا نکند کسی بخواهد مقابله به مثل بکند و بخواهد در این زمینه یک عمل احساسی دور از تعقل انجام دهد که در این صورت مشکل بر طرف نمی‌شود که هیچ، مشکلات را بیشتر می‌کند. لذا خوب است شماها تحمل کنید و با احسان جواب اهانت‌های مخالفین را بدهید.

استاد برجسته عرفان حوزه علمیه قم گفت: نکته‌ای که ایشان فرمودند خیلی جالب بود، اما

استاد عرفان حوزه علمیه افزود: البته صرف اطلاع نبود، چون ایشان وقتی فرمودند مطلع هستم، گرچه صریحاً نگفتند مطلب سید حیدر را قبول دارم یا ندارم، اما طوری آن سخن را گفتند که کاملاً استنباط می‌شد ایشان به این باور رسیده‌اند که بین تشیع و تصوف حقیقی - نه تصوف منحرف از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام - پیوند برقرار است.

وی در توضیح این مطلب، گفت: در میان فرقه‌هایی که وجود دارند تنها دو فرقه هست که به ضرورت وجود انسانی الهی و ملکوتی با اوصافی فوق‌العاده که برتر از دیگران است و کسی به گرد او نمی‌رسد معتقدند. یکی جامعه تشیع است که امامت را دارد و از این رو به طایفه امامیه مشهور است و دیگری متصوفه است که به انسان کامل اعتقاد دارند و از او با عنوان قطب الاقطاب یاد می‌کنند که مظهر اتم اسماء و صفات الهی و در رأس همه و دارای تصرفات ملکی و ملکوتی و ولایت تشریعی و تکوینی است، این امر از نزدیکی این دو طایفه با هم و جدا نبودن از هم حکایت دارد. امامت شیعه کاملاً با انسان کامل تصوف تطابق دارد و حضرت استاد علامه حسن زاده آملی می‌فرمودند: ما وقتی عرفان نظری می‌خواندیم و به نظریه انسان کامل - که توسط محیی الدین ابن عربی و شاگردانش مطرح شده - رسیدیم شوق و شغف فوق‌العاده‌ای بر من حاکم شد و با خود گفتم: بحمدالله تعالی آنچه را که ما در مکتب تشیع به آن اعتقاد داریم، در این مشرب عرفانی به عنوان یک اصل و یک قاعده ثابت و مسلم مطرح است.

البته شما توقع نداشته باشید که عرفان نظری به عنوان یک علم، شخص و اسم را معرفی کند. بلکه عرفان اصل، نظریه را مطرح می‌کند و بعد شخص و مصداق را باید از طریق مشاهدات و تجربیات، نقلیات و روایات پیدا کرد و آن قاعده و اصل را بر او تطبیق داد. لذا ما اصل نظریه انسان کامل را در عرفان نظری به عنوان یک اصل ضروری و مطابق با موازین علمی مطرح می‌کنیم و سپس به ضمیمه روایاتی که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به ما رسیده است انسان کامل، ولی، فانی فی الله و باقی بالله را معرفی می‌کنیم.

در ادامه حضرت آیت الله سیستانی "دام ظلّه" فرمودند: عرفان، تیغ دو لبه است، یعنی: اگر این علم در مسیر اصلی خود قرار بگیرد آثار و برکات فوق‌العاده‌ای را به ارمغان می‌آورد ولی اگر خدای نکرده از مسیر اصلی منحرف شود و در اختیار افرادی قرار بگیرد که آن را وسیله‌ای برای دست اندازی به مناصب دنیوی قرار دهند، موجب خسارت‌های فراوان و جبران ناپذیری خواهد شد.

سپس گفتند: شما که در قم متصدی تدریس عرفان هستید، به شاگردانتان - به خودتان نمی‌گویم - توصیه کنید عرفان را با اهتمام به شریعت دنبال کنند و این دو را با هم داشته باشند.

البته فرمایش ایشان حتماً با توجه به عملکرد سوء بعضی از مدعیان عرفان بود و گر نه روشن است که عرفان اصیل، با شریعت کاملاً گره خورده است. اصلاً عرفان اصیل اسلامی غیر از شریعت چیزی نیست. ولی چون برای برخی از افراد شبهه‌هایی به وجود آمده، لازم بود چنین توصیه‌ای را هم بفرمایند.

سپس حضرت آیت الله سیستانی بر شخصیت حضرت امام خمینی (ره) تأکید کردند و فرمودند:

خلاف حوزوه‌های فعلی همه گونه علوم را در خود جای داده بود. از طبیعیات گرفته تا ریاضیات، الهیات، فلکیات، نجوم، عرفان و دیگر شعب علوم. همه این‌ها در حوزه‌های ما بود و الان هم جسته و گریخته هست. علامه طباطبایی یک شخصیت فیلسوف و عارف در این جا تربیت شد، در نجف رشد نمود. مرحوم سید علی‌آقای قاضی، اینجا بود و آنگاه گفتند: من نمی‌دانم چه انگیزه‌ای در کار است و بعضی‌ها چه هدفی را دنبال می‌کنند که نجف را مشوه و حوزه‌ای خشک و مطلقاً مخالف با اینگونه علوم جلوه دهند. نه خیر، همه اینها در نجف بود. نجف را تک بعدی جلوه دادن و آن را تک محوری معرفی کردن، کار درستی نیست.

با این سخنان، شوق و شغف زایدالوصفی به من دست داد و عرض کردم: برای من بسیار دلنشین و شیرین و جالب هست که از زبان شما این سخنان را می‌شنوم و خدا را شکر می‌کنم که مرجعیت اعلی دینی در نجف در اختیار شخصیتی چون شما قرار گرفته که با دید باز به قضایا نگاه می‌کنید و تعصبی که در برخی افراد دیده می‌شود بحمدالله تعالی در شما نیست. ایشان فرمودند: البته شخص که مطرح

عرض کردم: بله نیست و نباید باشد، جای توقعش هم نیست، من فقط می‌خواهم این را عرض کنم: تصدی مرجعیت توسط کسی که با دید باز به قضایا نگاه می‌کند یک امر مبارک و یک نقطه عطف در تاریخ حوزه‌ها است و آثار و برکات بسیار فراوانی بر آن مترتب می‌شود و نیز ازبروز بسیاری از شبهات و مشکلات، جلوگیری می‌کند و یا اگر مشکلی و شبهه‌ای به وجود آمده باشد همه را می‌شوید و می‌زداید؛ اما بر عکس، اگر تصدی مرجعیت توسط کسی صورت بگیرد که اطلاعات و جامعیت لازم را نداشته باشد و با بدبینی و بدگمانی به اینگونه امور نگاه کند، تا تاریخ، تاریخ است و آن شخصیت به عنوان یک شخصیت تأثیر گذار در حوزه‌ها مطرح است؛ عوارض و مشکلاتی را به وجود می‌آورد که به آسانی نمی‌توان آنها را برطرف کرد. لذا باید خدا را شکر کنیم که در نجف، شما در راس مرجعیت قرار دارید. ایشان فرمودند: ما از نام و اسم به اسم مصدر اکثفا کرده ایم نه مصدر!

در اینجا لازم است من جمله ایشان را قدری توضیح بدهم تا نکته‌ای که ایشان در این جمله فرمودند برای خوانندگان روشن شود. در مصدر، کار همراه با فاعل و گاهی مفعول مطرح است. مثلاً وقتی می‌گوییم: پاک کردن، تمیز کردن، خوردن، در این مثال‌ها، فاعلی باید مطرح شود تا آنها را رقم بزنند؛ اما اسم مصدر چون حاصل کار است به این کار ندارد که چه کسی کار را انجام داده است، مثلاً وقتی می‌گوییم: پاکی و تمیزی، به حاصل کار توجه داریم، حالا فاعل کار چه کسی است مورد توجه نیست. از این رو، چون من گفتم بحمدالله تعالی شخصیتی چون شما متصدی مرجعیت اعلی دینی در نجف است، محتمل بود که شاید من خواسته باشم نامی، اسمی و رسمی از ایشان مطرح کرده باشم، لذا آن جمله را فرمودند و مرادشان این بود که ما به حاصل کار و برکات و خیراتی که در نهایت بر آن مترتب می‌شود توجه داریم خواه به نام ما تمام شود یا به نام دیگری، ما به اینها نظر و توجهی نداریم.

بعد ایشان این جمله را اضافه کردند: من بحمدالله تعالی اطلا‌عاتم نسبت به عرفان و تصوف خوب، جامع و کامل است، و از نظر جناب سید حیدر آملی در مقدمه جامع الاسرار یا در مقدمه شرحش بر فصوص که به پیوند بین تشیع و تصوف قایل است کاملاً مطلع هستم.

خداوند تبارک و تعالی توفیق داد به عتبات عالیت تشرف پیدا کردم و امام امیرالمومنین علی علیه السلام و اولاد طاهرین آن حضرت (امام حسین بن علی، امام کاظم، امام جواد، امام هادی، امام عسکری و ابا الفضل العباس) سلام الله علیهم و همچنین سرداب مقدس را زیارت کنیم. وی افزود: توسط حجت الاسلام والمسلمین سید صادق تبریزی که در بحث‌ها و درس‌های ما در ایران شرکت می‌کرد و هم اکنون مشغول تدریس علوم عقلی در نجف است، رابطه نزدیکی با بیت حضرت آیت الله سیستانی دارد؛ مقدمات دیدار با معظّم‌له هماهنگ شد.

دیدار بسیار به یادماندنی و مفیدی بود. آن دوست عزیز (حجت الاسلام سید صادق تبریزی)، ما را به جناب آقای سیستانی به عنوان کسی که در حوزه علمیه قم به تدریس علوم عقلی و عرفانی و کتاب‌های "اسفار"، "اشارات" و مخصوصاً کتاب "فصوص الحکم" اشتغال دارد، معرفی کرد.

: این که عرض می‌کنم "مخصوصاً کتاب فصوص الحکم" به خاطر حساسیتی است که روی این کتاب وجود دارد. متأسفانه در همین حوزه علمیه قم، کتاب "فصوص الحکم"، از منظر خیلی از افراد و حضرات، از جمله کتب ضاله و بد نام است. چون مولفش "محیی الدین ابن عربی" است که وحدت وجودی و متهم به کفر و زندقه است. لذا وقتی که پیش خیلی از این آقایان، از "فصوص" نام برده می‌شود عکس العمل منفی از خود نشان می‌دهند؛ اما برخورد حضرت آیت الله سیستانی با شنیدن این که من، از کسانی هستم که در حوزه علمیه قم کتاب "فصوص" را تدریس می‌کنم بسیار دلنشین و جالب بود.

جهت مهم قضیه که بسیار جالب توجه هست، عنوان مدرس علوم عقلی و عرفانی بودن، مخصوصاً تدریس کتاب "فصوص الحکم" است. وگرنه شخص که مطرح نیست و اصلاً تصورش هم نباید به ذهن کسی بیاید.

بعد از اینکه خدمت ایشان معرفی شدیم، آغاز سخن اینگونه بود که فرمودند: شما خودتان، عرفان را پیش چه کسی خوانده‌اید؟ عرض کردم: خدمت حضرت آیت الله علامه حسن زاده آملی (حفظه الله تعالی)

ایشان همین که نام حضرت آیت الله حسن زاده آملی را شنیدند، با حالت خاصی فوری از من پرسیدند: حال ایشان چه طور است؟ برای من نقل کردند که حالشان خوب نیست، مریض هستند، کسالت دارند و از ما درخواست دعا کرده بودند و ما هم برای سلامتی و بهبودی ایشان دعا کردیم.

عرض کردم: بحمدالله تعالی حال عمومی ایشان خوب است. فقط آنچه که هست عوارض دوران کهنسالی است که آن را هم نمی‌شود کاری کرد.

آیت الله سیستانی از فرزندان من که همراهم بودند پرسیدند شما دانشجو هستید یا طلبه؟ و یکی از آنها جواب داد: من دانشجو هستم اما نیمه این هست که بیام حوزه و از دروس حوزوی و معارف حوزوی نیز بهره بگیرم. ایشان فرمودند: رشته دانشگاهی شما چیست که می‌خواهید به حوزه بیاید؟ گفت: فیزیک هسته‌ای

آیت الله سیستانی گفت: بر حسب ظاهر، رشته دانشگاهی شما با دروس حوزوی هم خوانی ندارد. مثلاً اگر کسی حقوق بخواند، علوم انسانی و ادبیات فارسی و رشته‌های این چنینی بخواند، با علوم حوزوی تقارن و تناسب دارند اما رشته فیزیک هسته‌ای به حسب ظاهر تناسبی ندارد.

من خواستم جوابی بدهم که بحمدالله خود ایشان شروع کرده و گفتند: البته حوزه‌های قدیم بر

مرحوم کوثری روضه خوانی را مدال افتخار می دانست

مجالس ضمن تجلیل از شخصیت‌های ارزشمند الگوسازی می‌کنیم؛ اگر معتقدیم خرافاتی وارد شده که باید کاری کرد یکی از این کارها این است که باید مانند مرحوم کوثری آمد و محفل سیدالشهداء را برپا کرد.

وی تاکید کرد: وی در نهایت سادگی موجب ایجاد شور در مجالس و افراد می‌شد و با لحن بسیار ساده و روحیه بسیار عالی و با اخلاص به تمام معنا در محضر علما و مراجع از زمان آیت الله بروجردی تا زمان زعامت امام (ره) این سلاله پاک فاطمه (س) چه زیبا مجلس را اداره می‌کرد که نه تنها اشک امام (ره) بلکه در و دیوار هم اشک می‌ریخت.

وی ادامه داد: کسانی که می‌خواهند به ساحت امام عرض ارادت کنند باید اخلاص، عشق، ایمان، محبت و سادگی را رعایت کنند و به دور از هر حاشیه‌ای که موجب وهن مجلس شود به این کار بپردازند که نمونه قابل قبول و ارائه مجلس عزاداری امام خمینی (ره) است که مرحوم کوثری روضه خوان بوده است.



اسکندری تصریح کرد: ما از خیلی‌ها توقع داشتیم که وارد این عرصه شوند اما این اتفاق نیفتاد؛ فکر می‌کنم اگر بخواهیم این حرکت را هر ساله ادامه بدهیم نباید به چند نفر اکتفا شود و همه باید پای کار بیایند زیرا عرصه عرصه کمی نیست و شخصیت‌ها هم کم انسانی‌هایی نیستند.

تجلیل از مرحوم کوثری

وی اضافه کرد: مرحوم کوثری در نهایت خضوع و خشوع و اخلاص روضه خوانی و به آن افتخار می‌کرد؛ برخی خیال می‌کنند روضه خوانی عنوان کمی است اما برخی آن را مدال افتخار می‌دانند و مرحوم کوثری هم روضه خوانی برای امام حسین (ع) را مدال افتخار برای خود می‌دانست. مدیرکل سازمان تبلیغات اسلامی بیان کرد: انتظار داریم افراد و نهادهای بیشتری به میدان بیایند و بیشتر هم نیازمند کمک‌های فکری هستیم. اسکندری بیان داشت: ما با این محافل و

رئیس سازمان تبلیغات اسلامی استان قم تاکید کرد: مرحوم کوثری روضه خوانی را مدال افتخار می‌دانست.

حجت الاسلام عباس اسکندری، در همایش آئین دلبری که در مجتمع آموزش عالی امام خمینی قم برگزار شد گفت: ما وظیفه داریم از کسانی که یک عمر با اخلاص درخانه اهل بیت (ع)

عموما و به صورت خاص در خانه سیدالشهداء خدمت و عرض ارادت کرده و موجب نشر فرهنگ عاشورایی و مکتب اهل بیت (ع) شده‌اند تجلیل کنیم و این کمترین کاری است که صورت می‌گیرد.

وی افزود: ما قادر نیستیم آنطور که این خادمان بوده‌اند تجلیل کنیم اما باید دستگاه‌های فرهنگی و مسئولان محترم به این موضوع بها و اهمیت بدهند؛ ما توقعمان از خیلی‌ها غیر از این بود که اتفاق افتاد.

مداح های میلیونر به چه هدایت می کنند؟

محمد تورنگ - آتی نیوز

اشک و ضجه و... اما همه در جهت سایه حرکات مداح است تا روضه اباعبدالله و مسیر کربلا. اینجا روضه خوان، دل‌ها را روانه لاس و گاس می‌کند در کنسرت آوازی سلن‌دیون...

این همه‌ها حکایت درد است و حکایت از یک انحراف بزرگ دارد، چیزی بسیار بزرگ‌تر از جریان انحرافی مشهور که جریان اصولگرایی را دچار خودش کرده و در این مجال با خاموش کردن آتش قلم، بجای ذکر مصیبت برخی مصیبت خوان‌ها، به بیان چند واژه کفایت می‌کند که یکفیم اشاره:

قرارداد قبل از مجلس - اتاق مداح - ماء‌الشعیر جوجو و آب هویج، ردبول - قلیان خوانسار - آهنگ پاپ - چاپ عکس مداح روی تیشرت سینه زن‌ها - مدیر هماهنگی مجالس - میکروفون ۵ میلیون تومانی - دست بوسی و مریدپروری - اسپانسر هیات و... اللهم انا نعوذ بک...

بعد از مداحان از به اصطلاح وعظ هم می‌گذرم چرا که تاب و توان بیشتری ندارم فقط یک نمونه‌مان باب مثال عرض می‌کنم که همین اخیراً خورد کردم، فردی که واعظی مشهور و با مسئولیت سنگین اجرایی هست برای سخنرانی به هیئتی دعوت شد. مدیر برنامه‌های ایشان گفتند که چون می‌خواهیم تعداد بیشتری از محبان اهل بیت فیض ببرند حتماً با صدواسیما هم هماهنگ کنید که برای ضبط و پخش بیایند. بعد از همه هماهنگی‌ها با رسانه ملی و چک شدن حسینه توسط تیم حفاظتی و... پاکت حاج آقا فراموش نشود!

حال می‌فهمم چرا قدیمی‌ها برای ارباب بی‌کفن ما صفت مظلوم را بکار برده‌اند.... تنهایی برای ارباب بی‌کفن مظلوم گریه کردن هم عجب صفایی دارد.

انحرافی که از فضای ایجاد شده، حس می‌شود از حضور موثر "پول" - بخوانید پاکت - در مجالس اباعبدالله علیه‌السلام و مرام اشرافی‌گری در برخی محافل و چهره‌های شاخص - تقبل‌الله منهم - که هیچ نشانی غیر از انحراف در نمایاندن مسیر سفینه‌النجات در آن نمی‌توان مشاهده کرد. نمی‌دانم حاج آقای سراج و ناظم و سید علی آقا میرهادی رضوان‌الله تعالی علیهم و اصلاً از این‌ها بگذریم پاکت مجلس شهید غلامعلی رجبی (جندقی) در سنگرهای خاکی جبهه‌ها، چقدر بوده، فقط این را می‌دانم که حاج غلامعلی برای ده شب مراسم عزاداری‌اش هیچگاه، قرارداد ۹۹ میلیون تومانی نبسته است، چه رسد به اینکه حضورش در یک مجلس عزاداری با ۱۰ شرط مختلف از انواع و اقسام همراه بوده باشد.

آنچه امروز در برخی مجالس اهل بیت علیهم‌السلام در حال روی دادن است، عین نقض غرض در مسیر اهل بیت علیهم‌السلام است به طور مثال، آن چنان که مساجد زینت شده به زر و زیور که به تعبیر روایات به دست حضرت حجت (عج) تخریب خواهند شد، نقض غرض خواهند بود، با محل عبادت و توجه به حضرت‌الله و در مجالسی نیز که برق میکروفون و کت و شلوار و دکمه سرآستین مداح چشم‌ها را خیره می‌کند و نجوای اهل جلسه این است که حاج فلانی برای این دهه..... میلیون تومان گرفته و آمده، تاروی فلان مجلس از شهرستان کاشان کم شده باشد، مجلس روضه به مجلس سوپر استار تبدیل می‌شود و واکنش‌های مستمعان در پاسخ به آهنگ‌های تند و اروپایی مرثیه‌خوان، اگر چه پراز هیجان و شور و شعف باشد و حتی اگر همراه با

دوستی می‌گفت: ماه مبارک رمضان یکی از هیات‌های عزاداری معروف (در شرق تهران)، مجلس افطاری برای چهره‌های شاخص از مداحان اهل بیت علیهم‌السلام، برگزار می‌کند که برای خودش محفل ارزشمندی است.

آن دوست که سال‌هاست در آن مجلس حضور دارد و به ستایشگران اهل بیت (ع) خدمت می‌کند، می‌گفت: چند سالی است، که خیابان‌های اطراف مراسم، هنگام برگزاری جلسه به نمایشگاه ماشین‌های گرانتیمت تبدیل می‌شود و برخی از بچه‌هایانی فقط می‌آیند تا ماشین‌های گرانتیمت حضرات اساتید - تقبل‌الله منهم - را تماشا کنند!

وی، اوضاع پارکینگ را در جوار خیمه حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام به چیزی شبیه پارکینگ محل تمرین فوتبال‌لیست‌های معروف!! تشبیه می‌کرد و البته ناگفته نماند که دوست ما، از برخی پیشکسوتان معروف از مداحان تهران نیز نام می‌برد که با ماشین‌های معمولی و حتی با موتورسیکلت در این جلسه حاضر می‌شوند.

به یاد مداحان اهل بیت علیهم‌السلام که بسیاری از جوان‌های قدیمی تجربه‌زیای مجالس شان را هنوز هم از یاد نبرده‌اند، با کلاه‌های فینه و شال سبز بر کمر سوار بر موتور و سبّا با هییتی که از دور نیز گویای کسوت مقدس شان بود...

از این رو که چشم محرم و نامحرم به جسارت این قلم باز خواهد شد و آموخته‌ام که خوب و بد و زشت از ساحت مقدس این آستان رابه یمن انتصاب به "حضرت ارباب" محترم بشمارم، جسارت قلم را، اعتذار می‌جویم به

رییس کانون مداحان کشور گفت: مداحان باید قدرت تجزیه و تحلیل مباحث مختلف را داشته باشند و تنها برای در آوردن اشک مردم مداحی نکنند و در کنار مداحی حتماً میزان مطالعات خود را افزایش دهند.

مصطفی خرسندی در گفت‌وگو با (ایسنا) اظهار کرد: مداحی که سیاسی نباشد و از مباحث سیاسی روز مطلع نباشد مداح نیست چرا که حرکت امام حسین (ع) حرکتی سیاسی بود بنابراین مداحان نباید نسبت به مسائل سیاسی بی‌تفاوت باشند.

خواستم درباره آن عرضی داشته باشم که مراعات کرده و چیزی نگفتم، اما اکنون خوب است اینجا مطرح کنم: معمولاً تکفیرها، اهانتها و مخالفت‌ها از طرف مخالفان فلسفه و عرفان، صورت می‌گیرد و عرفا و حکمای جا افتاده ما، همه اهل تحمل بوده‌اند و به طرف مقابل، کمال تکریم و احترام را اعمال می‌کردند. چقدر از همین افراد اهل عرفان و معرفت را می‌شناسیم که به مخالفانشان -علی‌رغم همه لعن و تکفیرها- اقتدا می‌کردند. فلاسفه و عرفای بزرگ ما، مخالفانشان را به پاکی و تقدس قبول داشتند و می‌دانستند آنها روی احساس دین دوستی و ارزش مداری و عشق به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام حرکت‌هایی را انجام می‌دهند، گرچه شاید متوجه نبوده باشند. لذا تا به حال این طور نبوده که خدای نکرده مقابله به مثل کنند، تنها چیزی که گاهی اوقات از طرف اهل فلسفه و عرفان، صادر شده، قضیه "تجهیل" بوده است. یعنی می‌گفتند شما نمی‌دانید، در جریان نیستید و چون نمی‌دانید و در جریان نیستید این مخالفت‌ها را انجام می‌دهید. و گاهی هم می‌گویند شماها چون نمی‌دانید وارد نشوید، ندانسته رد نکنید و از این گونه حرف‌ها. اما از ناحیه مخالفان عرفان، تکفیر و تفسیق و گاهی هم لعن و نفرین است. و معلوم است که بین "تکفیر" و "تجهیل"، خیلی فاصله و فرق است. "تجهیل" فوقش این است که می‌گوییم طرف نمی‌داند، در جریان نیست و ندانستن هم که جرم نیست، تنها چیزی که هست این است که اگر احتمال قصور و عدم اطلاع در شخص باشد باید از شدت هجمه‌ها و حمله‌های خودش بکاهد و محتاطانه برخورد کند. مثل خیلی از بزرگان ما که اهل احتیاط بوده و هستند و درعین عدم اطلاع لازم از مبانی اهل عرفان، علی‌رغم شبهه‌های موجود، احتیاط کرده و از اظهار نظرهای عجولانه و غیرمعمول اجتناب داشته و دارند.

چقدر خوب است اینجا از حضرت آیت الله شبیری زنجانی "دام ظلّه" نام ببرم. کسی از ایشان پرسیده بود: نظر شما نسبت به وحدت وجود چیست؟ آیا همانطوری است که برخی از آقایان می‌گویند مستلزم شرک و کفر و حلول و اتحاد است؟ ایشان کاملاً صاف فرموده بود: بعید می‌دانم آقایانی که قائل به وحدت وجود هستند این جور دیدی داشته باشند و بگویند که خداوند در اشیاء حلول کرده، یا با اشیاء یکی شده است، این طوری نیست؛ چون در بین آنها افرادی هستند که من آنها را به عظمت می‌شناسم و این اتهام‌ها به آنها نمی‌چسبد؛ لذا ما که در این زمینه تخصص لازم را نداریم نباید نفیاً یا اثباتاً وارد بشویم. این بسیار زیبا است که از یک مرجع تقلید و فقیه برجسته این انصاف را می‌بینیم و می‌شنویم و توقع ما از دیگران نیز همین است که اگر خودشان در جریان نیستند، حداقل این احتمال را بدهند که شاید مراد آقایان چیز دیگری باشد که بر آنها مخفی مانده است، نه اینکه با همان برداشت‌های سطحی و مبتدل از وحدت وجود، با اهل معرفت مخالفت کنند و به کفر و شرک قائلین به وحدت وجود فتوا بدهند.

نمونه دیگر جناب آقای شیخ عباس قمی (ره) است که در کتاب فوائد رضویه وقتی اقوال و موافقان و مخالفان فیض کاشانی را نقل می‌کند، می‌فرماید: واما نظر من، من کوچکتر از آنم که در حریم این بزرگان وارد شوم و نفیاً یا اثباتاً درباره آنها چیزی بگویم.

وی گفت: این برخورد چقدر زیبا و دلنشین است، کسی که حد خودش را می‌شناسد و در حد خودش حرف می‌زند بسیار قابل تکریم و احترام است. اما متأسفانه می‌بینیم برخی از افراد با تعصب خاص و گرایش منفی نسبت به قضیه، نه احترام بزرگان را نگه می‌دارند و نه افرادی را که در این زمینه تخصص دارند به تخصص می‌پذیرند و قبول دارند و همان برداشت‌های سطحی و ظاهری خودشان را ملاک قضاوت قرار داده و برای خود و دیگران مایه دردسر و اسباب زحمت می‌شوند.

دوست ما آقای سید صادق تبریزی خطاب به آیت الله سیستانی گفت: من برای شما چند کتاب آوردم از جمله خاطرات عروس امام و خاطرات آقای رفسنجانی و چند کتاب دیگر و فکر می‌کردم قبل از همه دستتان به طرف خاطرات آقای رفسنجانی دراز خواهد شد و آن را مرور می‌کنید؟ حضرت آیت الله سیستانی گفت: نه، خاطرات آقای رفسنجانی را قبلاً دیده بودم، خاطرات عروس امام برای من تازگی داشت و لذا سراغ آن خاطرات رفتم. سپس خداحافظی دلنشین و زیبایی صورت گرفت و از خدمتشان مرخص شدیم.

مداحان تنها برای در آوردن اشک مردم مداحی نکنند

داشته است باید بدانیم که واقعه عاشورا موجب زنده نگه داشته شدن اسلام شده است که باید مداحان واقعه عاشورا را به صورت عمیق مورد بررسی قرار دهند.

خرسندی در پایان گفت: مداحان باید بدانند که هدف امام حسین (ع) که زنده نگه داشتن اسلام و امر به معروف و نهی از منکر بود بسیار مظلوم‌تر از خود این امام است بنابراین لازم است مداحان همیشه هدف امام حسین (ع) را مد نظر داشته باشند و در راستای این مسیر حرکت کنند.

وی اظهار کرد: مداحان باید بجا و متناسب، مسائل روز را در مداحی خود گنجانده و مداحی کنند و بدانند که سیاست ما عین دیانت ماست.

این مداح بیان کرد: مداحان باید بجا، به موقع و متناسب جلسه‌ای که قرار است مداحی کنند قبل از شروع مراسم مطالعه داشته باشند و به مباحث به صورت عمقی بپردازند تا مداحی توانا جلوه شوند.

وی بیان کرد: حضرت امام (ره) همانگونه که فرموده "محرم و صفر اسلام را زنده نگه

شهید برهان الدین ربانی؛ نماد جهاد و صلح

استاد سید هادی خسروشاهی

مقدمه و چند خاطره:

قرار بود در اتاق ۱۵۰۸ هتل استقلال به دیدار برهان الدین ربانی بروم. یکی از برادران خبر داد که استاد ربانی به خاطر دعوت به جلسه مهمی عازم کابل گردید. عصر همان روز (سه شنبه ۹۰/۶/۲۹) ساعت ۷، با قرار قبلی، با برادر عزیز و ارجمند، حجت الاسلام والمسلمین حضرت آقای محمداصول حجتی کرمانی حفظه الله، همراه برادر گرامی جناب آقای علی اصغر قریشی، به عیادت برادر عزیز دیگرمان جناب دکتر سیدمحمداصول خرازی عافاه الله که تازه از سفر استعلاجی به میهن برگشته بود، رفتیم... پس از دیدار و گفتگو با صادق (که تبلور صراحت و صداقت، نماد مقاومت و استقامت است و تجسم عینی تسلیم و رضا... و از قلیل مردان سیاسی جوان آگاه به اوضاع جهان و از خادمان خالص و مخلص اسلام و از خاندانی عریق و اصیل، اسوه گان تقوا و پرهیزگاری...)، حدود ساعت ۹ از منزل وی بیرون آمدیم؛ اما برای رفتن به منزل خود ماشینی پیدا نکردم، لذا همراه آقای حجتی و با ماشین آقای قریشی (سفیر اسبق ایران در اندونزی و یمن و مسئول سابق بخش انتشارات در دفتر مطالعات سیاسی وزارت امور خارجه) تا درب منزل جناب حجتی رفتم و با مسرت در آنجا ماشینی پیدا شد و پس از خداحافظی از جناب حجتی که همچنان در بیرون از منزل منتظر مانده بود، راهی منزل شدم... راننده اخبار رادیو ایران را گوش می داد که گوینده خبر ناگهان اعلام کرد: «برهان الدین ربانی پس از مراجعت از ایران، در درون خانه خود، در کابل ترور شد!» خبر باورکردنی نبود. او امروز صبح در تهران بود؟ چطور نرسیده ترور شد؟! ولی ساعت ۱۰ شب که به اخبار ایران و رسانه های خارجی گوش کردم، به صحت آن خبر اطمینان یافتم و تسلیم رضای حق و چاره ای جز رضا و تسلیم نیست و با قرائت آیه شریفه: «أنا لله و أنا إليه راجعون» به خود تسلیت گفتم!

من با شهید برهان الدین ربانی که حقیقتاً «برهان دین» بود و مردی «ربانی» بود، بیش از چهل سال پیش، شاید در همان دوران که او در دانشگاه الازهر تحصیل می کرد یا تازه از آن فارغ التحصیل شده بود، آشنا شدم و رابطه اخوت و تبادل فرهنگی ما از همان زمان آغاز شد و در تمام این دوران طولانی این روابط همچنان محکم و استوار برقرار ماند. شاید آخوانی «بودن ربانی که از همان زمان اقامت در مصر گرایش به آن، در او به وجود آمده بود، همگام با گرایش آخوانی حقیر، در تحکیم این روابط نقش خاصی داشت.

سال قبل در ضمن برنامه های میهمانان خارجی کنفرانس وحدت اسلامی که از سوی مجمع جهانی تقریب بین مذاهب اسلامی برگزار شده بود و شهید ربانی عضو مجمع عمومی این نهاد بود، همراه ایشان برای دیدار با رهبری به حسینیة امام خمینی (ره) رفتیم. قبل از آغاز برنامه و حضور در حسینیة، میهمانان خارجی به اتاقی در داخل بیت راهنمایی شدند و در آنجا، بنده در کنار استاد شهید ربانی نشستیم و ضمن گفتگو درباره حوادث افغانستان و ضرورت اخراج نیروهای بیگانه که مورد تأیید کامل ایشان بود، یادداشتی نوشتم و به ایشان دادم تا در اقدامی جدی، اسناد سیدجمال الدین حسینی (معروف به افغانی) را در وزارت امور خارجه افغانستان تهیه و برای این جانب بفرستند تا در سلسله اسناد سید در وزارتخانه های دیگر بلاد، آنها را منتشر سازم و توضیح دادم که تاکنون از این مجموعه، دو کتاب

منتشر شده است: اسناد سید در وزارت خارجه انگلیس* و اسناد سید در وزارت خارجه ایران* و گفتم که اسناد سید در وزارت خارجه عثمانی (ترکیه)* نیز در دست تنظیم و ترجمه و چاپ است. البته من این موضوع را قبلاً نیز به طور کتبی و حضوری از حضرت آیت الله آصف محسنی حفظه الله (از مراجع و علمای عظام افغانستان) درخواست کرده بودم. استاد شهید ضمن تقدیر و تشکر از تلاش

و پیگیری این جانب در احیای آثار سید جمال الدین و نشر اسناد مربوط به وی در نقاط مختلف دنیا، وعده داد که در این زمینه اقدام لازم را به عمل آورد.

پس از چندی آیت الله آصف محسنی از کابل زنگ زدند و گفت که در این زمینه اقدام کرده اند. و بعد یکی از برادران افغان، عضو رسمی وزارت امور خارجه، به نام فضل الرحمن فاضل که جوانی محقق و اهل قلم و تألیف بود و چندین کتاب درباره سید جمال الدین حسینی نوشته و در کابل منتشر ساخته است، از تهران زنگ زد و گفت: «طبق درخواست استاد برهان الدین ربانی و سفارش آیت الله آصف محسنی، تعدادی کتاب و نشریه مستند درباره سید و افغانستان آورده ام... در هتل اسپیناس به دیدار رفتم و پس از گفتگویی دوستانه، کتابها و اسناد را گرفتم. آقای فضل الرحمن فاضل، پژوهشگر دقیق و متبع افغان (که هم اکنون سفیر افغانستان در اندونزی است)، کتابی نیز در تعریف و بررسی و نقد آثار و تالیفات این جانب درباره سیدجمال الدین حسینی نوشته و منتشر ساخته است که بسیار قابل تقدیر است. این کتاب تحت عنوان «بیدارگر عصر» از طرف انتشارات بیهقی، در سال ۱۳۸۷ در کابل و در ۳۴۴ صفحه منتشر شده است. آقای فاضل غیر از این کتاب مستند، به رغم جوانی، بیش از چهل اثر تالیفی یا ترجمه ای دیگر دارد که اغلبشان چاپ شده است.

یکی دو سال قبل، در دیداری برادرانه که با استاد شهید ربانی داشتم، کتاب پروفیسور ریچارد میشل - استاد تاریخ در دانشگاه میشیگان آمریکا- درباره اخوان المسلمین را که ترجمه کرده بودم و در دو جلد و ۸۰۰ صفحه، مرکز دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران چندین بار چاپش کرده است، به ایشان اهدا کردم و به شوخی گفتم: «ما همچنان اخوانجیه هستیم!» و او با خنده ملیحی گفت: «این بیعت دو پیمانی است که من و شما در این مسیر با خدای خود بسته ایم و امید دارم که مورد رضای او باشد» و سپس افزود: «بالاخره ما و شما از نیم قرن پیش آخوانی بودیم و ان شاء الله تا پایان عمر نیز بر این عهد خود باقی بمانیم».

دوران زندگی

استاد برهان الدین ربانی در سال ۱۳۱۸ شمسی در فیض آباد - مرکز ولایت بدخشان - به دنیا آمد و در سال ۱۳۲۴ در مکتب خانه روستای خود به یادگیری قرآن و مقدمات ادبیات مشغول شد. در سال ۱۳۳۲ به کابل رفت و یک سال بعد در



▲ از راست: شهید برهان الدین ربانی، آیت الله واعظ زاده خراسانی، استاد سید هادی خسروشاهی و آیت الله تسخیری در حسینیة امام خمینی (ره) تهران

امتحانات مدرسه دارالعلوم پذیرفته شد و به ادامه تحصیل پرداخت. او در سال ۱۳۳۸ وارد دانشکده شرعیات دانشگاه کابل گردید و سه سال بعد از آن دانشکده فارغ التحصیل شد و به عنوان مدرس ممتاز، در همان دانشکده به تدریس پرداخت. در سال ۱۳۴۵ برای کسب تحصیلات عالی به مصر رفت و وارد دانشگاه الازهر گردید و با موفقیت رساله دکتری خود در رشته فلسفه اسلامی را به پایان رسانید و به کابل بازگشت و این بار به عنوان استاد، در دانشکده شرعیات به تدریس علوم اسلامی مشغول گردید.

آغاز مبارزه

استاد ربانی در سال ۱۳۳۶ در دوران تحصیل و تدریس در دانشگاه شرعیات کابل، همراه دیگر استادان آن دانشگاه، نظیر: غلام محمدنیزی، سیدمحمد موسی توانا، وفی الله سمیعی، محمدافضل، عبدالعزیز فروغ، سیداحمد ترجمان و... نهضت جوانان مسلمان را تأسیس نمود که با استعفاء غلام محمدنیزی از رهبری آن، در سال ۱۳۵۱، رهبری آن نهضت را با نام جدید: «جمعیت اسلامی افغانستان»، به دوش گرفت.

با کودتای محمد داوودخان در سال ۱۳۵۲، اعضا و هواداران نهضت اسلامی افغانستان، یا آن گونه که مشهور شده بودند آخوانی ها، تحت فشار رژیم وقت قرار گرفتند که ناشی از توطئه شاخه پرچم حزب دمکراتیک خلق افغانستان بود. افسران و نظامیانی که محمدداوودخان را در کودتا به قدرت رسانیده بودند، وابسته به احزاب کمونیستی افغانستان بودند که در آن سالها و در دهه دهمکراسی! رقیب هم محسوب می شدند و در مدارس و دانشگاه ها و مراکز علمی در گیری هایی باهم داشتند. با قدرت گرفتن آنها، مخصوصاً وزیر داخله وقت که عضو حزب خلق بود، دستگیری وسیع و گسترده اعضای اسلامگرای رقیبشان، در شهرهای مختلف افغانستان شروع شد.

در سال ۱۳۵۳ شهید ربانی و عده ای دیگر از فعالان اسلامگرا که تحت تعقیب حکومت داوودخان قرار گرفته بودند، از افغانستان خارج شدند و به پاکستان رفتند و در آنجا احزاب اسلامگرا و حکومت ذوالفقار علی بوتو که به خاطر مسئله پشتونستان روابط سردی با دولت افغانستان داشت، از آنها پذیرایی نمود و مسلح شان کرد تا آنها را برای براندازی حکومت داوودخان آماده سازد؛ اما عده ای از رهبران نهضت اسلامی مخالف جنگ مسلحانه بودند و به خاطر نزدیکی بعضی از حلقه های نهضت اسلامی به دولت وقت پاکستان، عناصر میانه روتر مهاجرین که تحت فشار

بودند - از جمله برهان الدین ربانی - پاکستان را ترک نمودند و به عربستان سعودی رفتند.

جمعیت اسلامی افغانستان

در اینجا اشاره ای تاریخی به تشکیل جمعیت اسلامی افغانستان و برنامه و اهداف آن بی مناسبت نخواهد بود و در این رابطه، خلاصه ای از آنچه را که در سال ۱۳۷۰ در این باره نوشته ام، نقل می کنم: «این جمعیت که پیش از کودتای کمونیستی در افغانستان تأسیس شد،

نخست زیر نام «سازمان جوانان مسلمان» فعالیت داشت، پس از شکل جدید به مبارزه گسترده ای پرداخت و رهبری قیام مردمی منطقه هرات در ۱۳۵۷ به عهده گرفت که در واقع خطر عمده ای برای مرکزیت سلطه کابل به وجود آورد و متأسفانه با خشونت وحشیانه ای سرکوب شد؛ ولی همین امر موجب آغاز قیام مردم جنوب افغانستان گردید.

جمعیت اسلامی با ارائه ادبیات و فرهنگ غنی مذهبی و تبیین ایدئولوژی اسلامی، به مثابه یک ایدئولوژی جامع الاطراف، توانست هویت واقعی خود را در میان مردم مسلمان افغانستان نشان دهد. جدایی گروه مهندس گلبدین حکمتیار از این جمعیت، نشانه اختلاف فکری - عقیدتی است و با اینکه هر دو سازمان ریشه مشترک در سازمان جوانان مسلمان افغانستان دارند و از آغازگران جنبش نوین اسلامی در این سرزمین هستند، اما عملکرد حکمتیار - به ویژه قتل عام اخیر اعضا برجسته، جمعیت اسلامی - می تواند ماهیت فاشیستی حزب وی را نشان دهد.

... در غرب اندیشه اسلامی این جمعیت را نشأت گرفته از اندیشه های اخوان المسلمین مصر می دانند و روسها اصولاً این جمعیت را شعبه جمعیت اخوان در افغانستان می شمارند؛ ولی واقعیت این است که اندیشه های این جمعیت و دیگر احزاب اسلامی نشأت یافته از قرآن و اسلام است و راهنمای همه آنها، مکتب قرآن و اصول سنت نبوی است، ولی شباهت اصول ده گانه بیعت در این سازمان با اصول و شرایط عضویت در جمعیت اخوان المسلمین و یکسان بودن شعار هر دو جمعیت، این موضوع را مطرح ساخته است که هدفهای جمعیت اسلامی همان هدفهای اخوان المسلمین است. شاید ترجمه بخشی از تفسیر فی ظلال القرآن شهید سید قطب توسط برادر ربانی نیز در انتساب وی و جمعیت اسلامی به اخوان بی تأثیر نبوده است؛ ولی به هر حال، باید گفت که از دیدگاه انترناسیونالیسم اسلامی، هر نوع همکاری و تعاون با دیگر احزاب اسلامی برادر، در سطح جهانی تنها ادای بخشی از یک وظیفه الهی است که مؤمنان را به تعاون در بر و تقوا امر فرموده است. هرگونه تبلیغ مغرضانه دشمنان و امپریالیسم خبری در این مورد پیشاپیش مردود بوده و از دیدگاه ملت های مسلمان آزاد و مستقل محکوم و بی ارزش تلقی شده است.

برادر برهان الدین ربانی، رهبر جمعیت، از طایفه تاجیک و اهل بدخشان است و به همین دلیل در بین تاجیکها در شمال کشور و در میان فارسی زبانان آشنا با فرهنگ ایرانی و ازبکها از نفوذ خاصی

اسلامی و نشریات جمعیت، مهمترین وسیله به شمار می رود. در این مرحله که هدف از آن خوش بین شدن به جمعیت است تا در آینده به حیث اعضای وفادار در سنگر مبارزه کنند، اشخاصی که تعهدات ابتدایی جمعیت را می پذیرد، ضروری نیست آنها را مکلف بدانیم که به تمام معنی از همه اوامر جمعیت اطاعت کنند و فقط کفایت می کند که از نظم و دسپلین جمعیت اطاعت نمایند.

۲- تنظیم: در این مرحله، از میان افراد جمعیت، آن عده که تعهدات ابتدایی حرکت را قبول کرده اند و قدرت تحمل مشکلات جهاد و مبارزه پیگیر و دوامدار را دارند، انتخاب شده و بعد از آزمایش های لازم در صفوف متحد قرار می گیرند. در این مرحله اعضای حرکت، علاوه بر انجام دادن وظایف عادی، به خاطر تزکیه باطن شان از لحاظ روحی، تحت تربیه عرفانی قرار می گیرند و از لحاظ سلوک، نظم عسکری را اطاعت و رعایت می کنند، تا بدین وسیله شکوک و اشتباهات و دودلی و تردید در میان اعضای جمعیت ناپدید گردد.

تنظیم حرکت به صورت هسته ها، آغاز این مرحله حرکت بوده - طریقه کار در این مرحله از نظامنامه و پروسیجر معین برخوردار است. دعوت در این مرحله خصوصی بوده و شامل اعضای متعدد هسته می شود. ناگفته نماند دعوت خصوصی در این مرحله به این معنی نیست که دعوت عمومی متوقف می گردد، بلکه دعوت عمومی در سطح بیرون از هسته، به شکل اولی، یعنی در چوکات مرحله معرفی ادامه می یابد؛ اما اعضای نخبه در هسته های منظم بسیج می شوند.

اطاعت کامل در این مرحله شرط اساسی و عمده است. احکامی که در این مرحله به افراد مأمور می شود، بدون تردید قبول و عملی می شود. اعضای حرکت در این مرحله به این حقیقت ملتفت می شوند که در راه رسیدن به هدف، مبارزه طولانی و مشکلی را در پیش دارند، آنها با رنج ها و تکالیف پنجه نرم می کنند و در همه احوال، با اراده استوار و تصمیم قاطع، به سوی هدف پیش می روند.

۳- تنفیذ: در این مرحله تلاش به خاطر رسیدن به هدف، منزل نهایی خود را می پیماید، فعالیت های مسلسل و خستگی ناپذیر، تحمل کارهای طاقت فرسا و مشکل، فصل ممیز این مرحله حرکت است. در این مرحله است که اعضای صادق و راستین حرکت رنج و محنت را در راه رسیدن به هدف با روح آرام و جبین گشاده استقبال می نمایند. اینها در این آزمایش کامیاب می شوند. اطاعت کامل ضامن کامیابی در این امتحان است. خوشبختانه اکثریت اعضای حرکت ما با اینکه از لحاظ اصولی این مراحل را به صورت منظم و مسلسل نگذرانده اند، اما با روحیه سرسپردگی و فداکاری بی نظیری از اوامر جمعیت اطاعت کرده و خودگذری های حیرت آوری از خود نشان داده اند و این خود پدیده تازه ای است که در حرکت ها و جریان های دیگر دیده نمی شود. (رساله: اصول بیعت از استاد شهید ربانی، صفحه ۳۷ تا ۴۰، چاپ دوازدهم، تهران)

بند دهم از اصول بیعت، دیدگاه جمعیت در مورد اطاعت از رهبری، چنین تبیین شده است:

بخش دهم - اعتماد

منظور ما از اعتماد این است: اعضای جمعیت در هر سطحی که باشند، به کدرهای رهبری بالاتر از خود اعتماد داشته باشند. صلاحیت، کفایت و اخلاص آنان مورد تأییدشان باشد. اعتماد آنها زاده محبت، صمیمیت و اطاعت باشد، نه محصول مجبورت. خداوند متعال می فرماید: فلا و ربک لا

لازم به ذکر است که در افغانستان، علاوه بر شخصیت های جهادی شیعه، مانند: شهید بلخی، شهید مزاری و، شخصیت های معتدل سنی که با ایران اسلامی نیز روابط حسنه داشته اند، یکی پس از دیگری، به دست عوامل خارجی و به ویژه سلفی های وهابی ترور شده و به شهادت رسیده اند.

اصول بیعت

یکی از آثار معروف استاد شهید ربانی، رساله اصول بیعت و مسئولیت های اعضای جمعیت اسلامی افغانستان است که به ضمیمه رساله "چه نوع مبارزه دهها بار و در دهها هزار نسخه در ایران و پاکستان و افغانستان چاپ و در مقیاس وسیعی توزیع شده است. این رساله پس از مقدمه کوتاه زیر، به شرح کامل اصول ده گانه جمعیت می پردازد که در واقع نسخه ای تکامل یافته از برنامه ها و اصول دعوت "آخوان المسلمین" مصر است. استاد شهید ربانی

می نویسد:

"فرزندان اصیل و مجاهد افغان که شرف عضویت جمعیت اسلامی افغانستان را حاصل نموده اند، پیش از پیوستن به این نهضت عظیم، مکلف اند با قبول اصول ده گانه زیر تعهدات خویش را به حیث یک سپاهی اسلام اعلان کنند: - ۱ فهم و برداشت سالم، - ۲ صفا و اخلاص، - ۳ عمل ، - ۴ جهاد، - ۵ فداکاری، - ۶ اطاعت، - ۷ ثبات و استقامت، - ۸ تجرد، - ۹ برادری، - ۱۰ اعتماد"

استاد شهید ربانی سپس به شرح و تفصیل اهداف جمعیت که در اصول ده گانه خلاصه شده، می پردازد که نقل دو بند کوتاه از بخش های ششم و دهم آن برای آشنایی بیشتر از ساختار جمعیت اسلامی افغانستان، بی مناسبت نخواهد بود:

بخش ششم - اطاعت

منظور از اطاعت در اصطلاح ما این است: در حال سختی و آسانی، در وقت خوشی و خفگی از احکام و اوامر جمعیت اطاعت نموده و مطابق آن عمل صورت بگیرد. این بخش دعوت در سه مرحله تکمیل می شود و در این سه مرحله شکل دعوت خصوصیات علیحده دارد: ۱- معرفی مرام: در این مرحله تلاش به عمل می آید که مرام جمعیت در میان مردم عمومیت پیدا کند و عوام به طرز فکر جمعیت آشنا شوند و برای عملی شدن این کار، جمعیت وظیفه دارد هیأت های تبلیغی ترتیب دهد تا در میان مردم عوام رفته و اهداف جمعیت را برای آنان شرح دهد و این مطلب را برای آنان ذهن نشین سازد که جمعیت به خاطر سعادت و خوشبختی و نجات مردم مجاهدت می کند. این کار گاهی از راه پند و نصیحت - بیانی و نشریات - و زمانی از راه کارهای عملی و وسائل علمی مطابق امکانات و شرایط خاص صورت می گیرد.

البته جمعیت ما به علت محدود بودن شرایط و نبودن امکانات مادی و اجتماعی موقعیت نیافت جز از راه تبلیغات در مساجد و میتینگ های خیابانی و تماس های شخصی و پخش نشریات محدود در این زمینه قدم های بیشتری بردارد. در شرایط مشکل فعلی، برای معرفی ساختن اهداف جمعیت، تماس های وسیع فردی و پخش کتب

می کند. البته اگر این کتابها نزد شخصی پیدا می شود، نیروهای امنیتی داوودخان و تره کی او را دستگیر و در یک محاکمه قلابی به سه تا شش ماه زندان محکوم می کنند! اتفاقاً همین نکته را قاضی محمد امین وقاد نیز



از راست: شهید مولوی نصرالله منصور (رهبر حرکت انقلاب اسلامی افغانستان)، مرحوم شیخ مصطفی مشهور (مرشد سابق اخوان المسلمین مصر)، استاد سید هادی خسروشاهی و شیخ راشد الغنوشی (رهبر حرکت اسلامی النهضه)

که یکی از همکاران قبلی برهان الدین ربانی و از رهبران حرکت جهاد افغانستان بشمار می رفت و روزگاری معاون اول گلبدین حکمتیار بود و پس از جدایی از او، سازمان اتحاد اسلامی را تأسیس کرد، در سمینار بین المللی وحدت مسلمین که در دوران حکومت ضیاء الحق در اسلام آباد پاکستان تشکیل شده بود و اغلب رهبران جهادی افغانستان و حرکت های اسلامی معاصر بلاد دیگر در آن حضور داشتند، در دیداری به من گفت: "این کتاب شما (ما چه می گویم) کار آموزش عقیدتی برادران ما را در شهر و روستا و میادین نبرد، آسان ساخته است. ما به همراه هر تفنگی که به مجاهدین می دهیم، یک جلد هم از این کتاب هدیه می کنیم و آنها در جبهه ها، مباحث این کتاب را به مباحثه می گذارند."

علاوه بر این دو بزرگوار، مولوی نصرالله منصور - رهبر حرکت انقلاب اسلامی افغانستان - نیز همین نکته را یاد آور شد و گفت: "شما کار سازمان ما را از لحاظ فکری، آسان کرده اید. ما به هر جوانی که می پرسد هدف تان چیست و چه می خواهید؟ یک جلد از کتاب ما چه می گوئیم؟ می دهیم و می گوئیم هدف ما در این کتاب آمده است."

مولوی منصور با مجمع تقریب مذاهب همکاری داشت و هوادار سرسخت وحدت اسلامی بود و نشریه آئینه جهاد را شعبه جمعیت او در تهران، منتشر می ساخت. او سالها پیش از برهان الدین ربانی، پس از شرکت در سمینار دفاع از فلسطین که در دفتر مطالعات وابسته به وزارت امور خارجه ایران برگزار شده بود، به افغانستان بازگشت و به فاصله مدت کوتاهی در انفجار ماشین خود به شهادت رسید.

البته بنده که خود توفیق نداشتم اهل حرب و محراب باشم، از اینکه نوشته ها و ترجمه های حقیر در ایجاد بنیاد فکری برادران اهل سنت و تشویق آنان به جهاد علیه اشغالگران شوروی تأثیرگذار بوده، بسیار مسرور می شدم و خدا را شکر می کردم که بر اثر خلوص نیت در آن زمان، زحمات و تلاش های ما به نتیجه مطلوب رسیده است.

برخوردار است. جمعیت از لحاظ سازمان دهی و تشکیلات هم در رده بالایی قرار دارد و اکثریت فرماندهان فعال درون کشور، از جمله احمدشاه مسعود عضویت این جمعیت را دارند. جمعیت اسلامی به مثابه یک حزب با استراتژی و تاکتیک مشخص و روشن و به منظور ایجاد یک جمهوری اسلامی در افغانستان و هدف های مشخص اجتماعی - سیاسی مدتها قبل از دخالت شوروی اعلام موجودیت کرده و دست به اقدام زده است. مرامنامه جمعیت می تواند روشننگر نوع اندیشه این برادران باشد.... (رجوع شود به کتاب: نهضت های اسلامی افغانستان، تالیف این جانب، ص ۱۵ و ۱۶، چاپ تهران، دفتر مطالعات سیاسی وزارت امور خارجه) جمعیت اسلامی شاید یگانه

سازمانی بود که در سراسر افغانستان و کشورهای دیگر، به ویژه ایران و پاکستان هوادار و عضو داشت و فعالیت تبلیغاتی وسیع و دامنه داری را مدیریت می کرد. و در این راستا، دهها نشریه و روزنامه و مجله، به زبانهای مختلف در ایران و پاکستان و کشورهای عربی و اروپایی منتشر می ساخت که در اینجا به نام بعضی از نشریات آن اشاره می کنیم: لوای اسلام، مجاهد، مرصد جهاد، المؤمنات، کاروان جهاد، المجاهدون، مشعل، میثاق خون، سیمای مجاهد، شهید زبیری، صوت الجهاد، غازی، دجهاد پلوشه، دجهاد هنداره، رهروان سمیه، توحید سنگر (حوزه جنوب غرب)، فروغ انقلاب، انقلاب اسلامی، راه حسین (ع)، پیام جهاد (آمریکا)، ندای سنگر (امارت حوزه جنوب غرب)، راهیان نور (قرارگاه شهید غلام محمد نیازی هرات)، بشارت (امارت عمومی هرات)، پیام آزادی (امارت پروان، کاپیسا)، دانشجو - مربوط به جوانان جمعیت اسلامی شعبه تهران -، پیام بلخ، جبهات شهید ذبیح الله و...

مانیفست جمعیت اسلامی

شهید سید قطب مجموعه مقالاتی درباره اهداف اخوان المسلمین و دیدگاه های خود دارد که تحت عنوان "در اسات اسلامیه" بارها در مصر و دیگر کشورهای عربی چاپ شده و به زبانهای گوناگون هم ترجمه شده است. این جانب در سالیانی دراز پیش، بخشی از این مقالات را که درباره اهداف اخوان المسلمین بود، ترجمه کردم که تحت عنوان ما چه می گوئیم "در ایران (و از قم) منتشر گردید. تعداد چاپ رسمی این کتاب به بیش از سی رسید و هر بار بیش از ۵ هزار نسخه منتشر شد. البته این امر موجب تعجب بود، تا اینکه معلوم شد به خاطر اینکه برادران افغان و تاجیک در دوران سلطه چپ گراها در افغانستان و قبل از آغاز جهاد بر ضد نیروهای اشغالگر شوروی - و پس از آن نیز - نمی توانستند این کتاب را در افغانستان چاپ کنند، هزاران نسخه از آن را از ناشران ایرانی خریداری کرده و به افغانستان منتقل می نمایند و در بین دانشجویان و مجاهدان توزیع می کنند و همین امر در آماده سازی روحی دانشجویان و کادرهای جهادی، نقش تأثیر گذاری داشته است.

استاد شهید برهان ربانی روزی - در دیداری در مکه مکرمه - به من گفت: "ما پس از تشکیل سازمان جوانان مسلمان و جمعیت اسلامی، دو کتاب شما را در بین اعضای خود و توسط آنها در پوهنتون ها (دانشگاه ها) توزیع می کنیم: یکی کتاب: ما چه می گوئیم است که در واقع "مانیفست" جمعیت ما شده و دیگری کتاب: دومذهب، که نقش استعمار مسیحی را در بلاد اسلامی بسیار شفاف بیان

محبوبیت داشت و تلاشهای صادقانه اش برای برقراری صلح، در سالهای اخیر، بر محبوبیت وی افزوده بود و تاریخ درخشان جهادی جمعیت اسلامی افغانستان هم بر دوست و دشمن آشکار بود. پس تنها گزینه برای اداره کشور، پس از خروج نیروهای متجاوز، او بود و این نکته ای است که آمریکا سخت با آن مخالف بود و هرگز حاضر نبود که پس از ده سال اشغالگری و هزینه کردن میلیاردها دلار از جیب مردم آمریکا و نقله کردن هزاران سرباز آمریکایی، افغانستان را از دست طالبان خارج سازد و دودستی تقدیم یک جریان جهادی مستقل اسلامی بنماید که با ایران اسلامی همکاری استراتژیک دارد!

این ترور نتیجه پروژه ای است که آمریکا طرح آن را از مدتها قبل آماده کرده و در همین راستا به ترور شخصیت های اسلام گرا و مستقل و هوادار ایران دست یازیده است. البته در این میان فرق نمی کند که عامل اجرایی طالبان باشد یا القاعده و یا گروه حقانی در پاکستان... و بد نیست بدانیم که شهید ربانی در محله وزیر اکبرخان در چند ده متری سفارت آمریکا و منطقه به اصطلاح حفاظت شده توسط نیروهای آمریکایی ترور شد؛ مانند شهادت عزالدین سلیم ها که در بغداد، در داخل منطقه خضره، اتومبیل آنها پس از عبور از ایست بازرسی، منفجر گردید!

آمریکا هم اکنون با فقدان ربانی به راحتی می تواند پیمان استراتژیک خود را با دولت ضعیف آقای کرزای به امضا برساند و یا امتیازات گسترده ای از دولت کابل بگیرد. آمریکا اکنون خواستار حداقل چند پایگاه نظامی دائمی در خاک افغانستان است و کسانی که هم اکنون دولت را در کابل در اختیار دارند، بدون پشتیبانی و کمک، نمی توانند بر سر قدرت باقی بمانند یا در مقابل طالبان مقاومت کنند. اکنون خطر اینجاست که دولت کابل به امضای پیمان استراتژیک تن در دهد و نتیجه زحمات و فداکاریهای شهیدانی چون برهان الدین ربانی به هدر رود.

البته نهضت اسلامی افغانستان از آغاز تاکنون، شهیدان والا مقام بسیاری داشته است و متأسفانه با مراجعه به آمار، می بینیم که اغلب رهبران اصیل و مستقل و اسلامگرای این نهضت ها - اعم از شیعه و سنی - به دست ایادی استعمار به شهادت رسیده اند و در واقع امپریالیسم به دنبال خالی کردن عرصه و میدان افغانستان از وجود شخصیت های تاثیرگذار در این کشور است؛ ولی باید بدانند که افغانستان سرزمینی مردخیز و شهیدپرور و مجاهدساز است و با شهادت رهبران، از رشد و شکوفایی نهضت اسلامی کاسته نخواهد شد و این فتوای محتوم تاریخ است که ستمگران سرانجام با سرنوشت دردناکی روبرو خواهند بود.

خاتم

استاد شهید به حق هم "برهان دین" بود و هم "ربانی" و در میان شخصیت های جهادی و عناصر رهبری حرکت های اسلامی، یکی از آرامترین، معتدلترین و متواضع ترین فردی بود که من در میان رهبران جنبش های جهادی و بیداری اسلامی دیده ام. استاد ربانی، پس از نیم قرن تلاش فرهنگی و جهاد مسلحانه و خدمات ذیقیمت و کوشش در راه نشر فرهنگ اصیل اسلامی و تقریب بین مذاهب اسلامی، لیاقت آن را یافته بود که در بستر بیماری از دنیا نرود. او همانند فرمانده شهیدش، احمدشاه مسعود، سزاوار دریافت هدیه الهی بود که برای همه مجاهدان راستین راه حق نصیب می گردد. او به شهادت رسید تا یارانشان در افغانستان و دیگر بلاد، به راه او ادامه دهند که فرمود: "و من المومنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر و ما بدلوا تبدیلاً". صدق الله العلی العظیم

مرزها به خصوص جهان اسلام و کشورهای همجوار بود که بدون شک هیچ انسان منصفی نمی تواند آن را فراموش کند.



▲ اهدای کتاب تاریخ اخوان المسلمین به شهید برهان الدین ربانی

تأسیس نخستین دانشگاه دخترانه در افغانستان به نام "امهات المؤمنین" و دانشگاهی پسرانه به نام "عبدالله بن مسعود" و دانشگاه حربی "حضرت علی" و تأسیس دهها مدرسه دخترانه و پسرانه، در شرایط توانفرسای هجرت، دلیل روشنی بر فرهنگ گستری استاد است که حتی در زمان تبعید و هجرت آن را فراموش نکرده و استعداد صدها هموطن خود را به نور دانش و فرهنگ روشن ساخته است. در این اواخر استاد شهید برهان الدین ربانی مشغول تنظیم خاطرات خود از دوران جهاد مستمر در افغانستان تحت عنوان زندگی سیاسی چهل و چند ساله خود بود که ناتمام ماند و به شهادت رسید.

چرا برهان الدین ربانی؟

استاد برهان الدین ربانی به رغم همه تهدیدها و خطراتهای آمریکایی ها و نیروهای داخل سلفی، در اغلب سمینارها و کنفرانس هایی که در ایران برگزار می گردید و از او دعوت به عمل می آمد، حضور می یافت. آخرین بار هم برای شرکت در کنفرانس بین المللی "بیداری اسلامی" به ایران آمد و سخنرانی جالبی ایراد نمود که مورد توجه حضار و شرکت کنندگان در کنفرانس قرار گرفت. گفته شد که آمریکا و آل سعود از قبل به او هشدار داده بودند که در این کنفرانس شرکت نکنند...! ربانی قرار بود چند روزی در ایران بماند و ملاقاتهایی داشته باشد؛ اما گویا با اصرار حامد کرزای، برای دیدار با یک عنصر طالبان که حامل پیمانی در باره صلح بود، بلافاصله به کابل برگشت و همان روز نیز به شهادت رسید. اکنون این سؤال مطرح است که: چرا برهان الدین ربانی؟ ظاهراً پاسخ روشن است. استاد ربانی با ادامه حضور نیروهای آمریکایی در افغانستان موافق نبود و با عقد پیمان استراتژیک و ایجاد پایگاه دائمی برای نیروهای آمریکایی - و ناتو در میهن خود - مخالفت می کرد و در عین حال علی رغم تمایل قلبی برای ایجاد صلح و آرامش در افغانستان، ریاست کمیته عالی صلح را پذیرفته بود؛ اما سرانجام روشن گردید که تأسیس کمیته عالی صلح با طالبان توسط دولت کرزای هم توطئه ای بیش نبود و هدف، وقت کشی و یا اسکات نیروهای جهادی بوده که علاقه ای به بقای نیروهای اشغالگر ندارند. و البته می دانیم که نیروهای اشغالگر بالاخره دیر یا زود باید از افغانستان بیرون بروند. کرازی مراحل پایانی ریاست جمهوری را طی می کند و برای آمریکا مهم است که بداند چه کسی بعد از او مدیریت کشور را به عهده خواهد گرفت؟. برهان الدین ربانی با حسن سابقه جهادی - فرهنگی، در میان تمام یا اغلب قومیت های افغان

پس از صبغت الله مجددی، از سوی "شورای اهل حل و عقد" به ریاست جمهوری افغانستان انتخاب شد؛ اما در سپتامبر ۱۹۹۶ بر اثر هجوم وحشیانه طالبان به کابل، مجبور گردید همراه دیگر اعضای جمعیت، از جمله احمدشاه مسعود، کابل را ترک کند و مقر ریاست را به مزار شریف منتقل نماید. در این وقت به واقع فقط ده درصد کل کشور در اختیار آنان بود؛ اما پس از حمله آمریکا و شکست طالبان، شهید ربانی اداره کل کشور را به دولت موقت واگذار نمود و در انتخابات پارلمانی شرکت کرد و به عنوان نخستین نماینده مردم ولایت بدخشان به مجلس راه یافت. آخرین سمت رسمی شهید ربانی، ریاست کمیته صلح بود که برای برقراری آتش بس بین دولت و طالبان تلاش می کرد.

فعالیت های فرهنگی

استاد شهید برهان الدین ربانی در دورانی که در فیض آباد به سر می برد، از جمله همکاران فعال "جریده بدخشان" شمرده می شد و وقتی به کابل آمد، این روش را ادامه داد و نوشته ها و ترجمه های او در مطبوعات کابل به ویژه در مجلات "الفلاح"، "پیام حق"، "ژندون"، "لمر"، "عرفان" و برخی دیگر از نشریات افغانستان به چاپ می رسید.

از کارهای مهم و برجسته استاد در عرصه فرهنگ کشور، مدیریت مجله وزین "شرعیات"، ارگان رسمی دانشکده شرعیات دانشگاه کابل بود که با قطع بزرگ، در سال ۱۳۳۹ش به انتشار آغاز کرد. در مجله "شرعیات" مقالات و پژوهش های علمی و اندیشه های زنده مذهبی به زبان های دری، پشتو و عربی به چاپ می رسید و تازمانی که استاد مدیریتش را به عهده داشت، از جمله مجله های وزین در میان خانواده مطبوعات کشور به شمار می رفت و استاد ربانی تا سال ۱۳۵۰ش که به یک سفر علمی و تحقیقاتی طولانی عازم ترکیه شد، همچنان مسئولیت این مجله را به عهده داشت.

آثار چاپ شده

استاد شهید ربانی در دوران عمر پربار فرهنگی و سیاسی، صدها مقاله، بیانیه و خطابه از خود به یادگار گذاشت که اکثر آنها به صورت پراکنده در نشریات برون مرزی به چاپ رسیده، متأسفانه بخش عمده ای از آنها هنوز به طور مستقل به چاپ نرسیده اند و در آرشیوهای فرهنگی و سیاسی دوستان محفوظ مانده است. ولی رساله ها و کتابهایی که به طور مکرر در ایران و پاکستان و افغانستان از استاد شهید به چاپ رسیده و یا تجدید چاپ شده اند، عبارتند از:

- ۱- محمد(ص) نخستین مربی و آموزگار بشریت
- ۲- در سایه های قرآن (ترجمه ای از تفسیر فی ظلال القرآن سید قطب)
- ۳- تشریح عقاید معتزلی ها
- ۴- تئوری سیاسی اسلام (به زبان عربی)
- ۵- داوودخان در گذشته ننگین، حاضر جنایت بار، و آینده هولناک
- ۶- کودتای ۲۶ سرطان و سیمای زعامت داوودخان
- ۷- چه نوع مبارزه؟
- ۸- استقلالیت انقلاب
- ۹- اسلام و کمونیزم
- ۱۰- اصول بیعت
- ۱۱- از تربیت یافتگان مکتب اسلام (معرفی چند تن از صحابه پیامبر اکرم(ص))
- ۱۲- هشتمین بهار خونین کشور
- ۱۳- پیام به فرماندهان جهاد
- ۱۴- آزمون جهاد (مجموع چند خطابه)
- ۱۵- کارمل در تلاش شاه مخلوع

تأسیس دهها نهاد فرهنگی و دهها نشریه و مجله و چاپ دهها عنوان کتاب که سازمان تحت رهبری او به چاپ رسانیده است، ناشی از فرهنگ دوستی و فرهنگ گستری او در داخل و برون

یونمون حتی یحکمومک فیما شجر بینهم ثم لایجدوا فی انفسهم حرجاً مما قضیت و یسلموا تسلیمًا؛ به پروردگارت قسم، مؤمن نمی شوند تا آنکه تو را در حل همه اختلافات خود حکم قرار ندهند و چون فیصله ای از طرف تو صورت می گیرد، در مورد آن در دل خود هیچ تشویشی راه ندهند و کاملاً تسلیم نشوند.

مسأله رهبری مهمترین اصل در حرکت است. حرکت بدون کدر رهبری مفهومی ندارد. نیروی جمعیت وابسته به مقدار اعتمادی است که در میان اعضای جمعیت و کدرهای رهبری آن وجود دارد. از این راه حرکت قوت و استحکام پیدا می کند و بر مشکلات خود پیروز می گردد. از همین روست که خداوند متعال می فرماید: "فاولی لهم طاعة و قول معروف آری! این به حال مسلمانان بهتر است که از مراکز رهبری خویش اطاعت کنند و سخنان شایسته و درست بگویند. در حرکت ارکان رهبری در برابر اعضای جمعیت به جهت رابطه قلبی بین آنان عنوان پدر را داشته و به لحاظ توجه به تنظیم و پیشرفت پلان های حرکت، عنوان یک رهبر سیاسی گرفته که با دوراندیشی کامل در راه استحکام جمعیت سعی و تلاش می نماید.

موقعیت حرکت با کدر رهبری آن ارتباط مستقیم دارد. برای اینکه هر عضو بتواند به کدر رهبری خویش اعتماد کند، باید بتواند جواب این سوالات را مطالبه نمایند. ناگفته نماند دریافت جواب این سوالات در مورد عادی بودن شرایط ضروری است؛ اما زمانی که شرایط غیرعادی متوجه جریان می گردد و ایجاب می کند که یک سلسله اسرار پوشیده بماند، ضروری نیست که هر عضو، اعضای کدر رهبری را بشناسد. آنچه در حالات عادی دانستن آن برای هر عضو، به خاطر اعتماد ضروری است، از این قرار است:

- ۱- آیا اعضای کدر رهبری را می شناسد یا شرایط زندگی او برای معلوم است یا خیر؟
- ۲- آیا به کفایت، اهلیت و اخلاص آنها اعتماد و یقین دارد؟
- ۳- آیا آماده است هدایات، اوامر و مشوره های کدر رهبری را به صورت قاطع و بدون شک و تردید عملی نماید؟
- ۴- آیا آماده است در موضوعی که از طرف کدر رهبری به او تقدیم می شود، فیصله کدر رهبری را صحیح و نظریه خود را در مورد آن، اگر مخالف آن واقع شود، سهو یا خطا تلقی نماید؟
- ۵- آیا آماده است که همه امکانات خود را در اختیار کدر رهبری بگذارد؟ آیا یقین دارد که در نظر کدر رهبری مصلحت عمومی جمعیت نسبت به مصلحت خصوصی و شخصی برتری دارد؟

هر عضو با جواب به پرسش های فوق الذکر، می تواند معیار اعتماد خویش را به کدر رهبری تشخیص دهد و با وجود این باید این حقیقت را بدانیم که دلهای ما به دست خداوند متعال است و آن طور که بخواهد، برمی گرداند. همان است که خداوند می فرماید: "لو انفق ما فی الارض جمیعاً ما لفت بین قلوبهم و لکن الله آلف بینهم انه عزیز حکیم". اگر همه آنچه را که در روی زمین است، خرج کنی تا میان دلهای آنان آلف برقرار سازی، نمی توانی؛ اما خداوند در میان آنها الفت برقرار کرد. او توانا و حکیم است. (اصول بیعت، استاد شهید ربانی، ص ۴۳ و ۴۵)

شهید ربانی در حدود نیم قرن به جهاد فرهنگی و نظامی مشغول بود و در دوران سلطه کمونیست ها و سپس اشغال افغانستان توسط شوروی، به جهاد خستگی ناپذیر خود، در سراسر افغانستان ادامه داد و پس از سقوط دولت نجیب الله در اوائل ۱۹۹۲م و پیروزی مجاهدین،

استاد دانشگاه اسلامی لبنان:

انقلاب بحرین در میان تحولات منطقه یتیم مانده است



نباید سرنگون شود. این کشور عصری مهم و کلیدی برای امنیت اقتصادی ایالات متحده آمریکا به شمار می رود و اگر مردم این کشور بخواهند با استبداد حاکم بر عربستان مبارزه کنند، قطعاً پس از آل سعود، نخستین بازنده میدان آمریکا خواهد بود؛ به همین دلیل است که آمریکا تجهیزات نظامی ارتش عربستان را تأمین می کند و جدیدترین و پیشرفته ترین ابزار نظامی را در اختیار آل سعود قرار می دهد. ندی بدران در پاسخ به سؤالی مبنی بر اهداف پنهان آمریکا در حمایت از رژیم های حاکم بر بحرین و عربستان، تأکید کرد: در حالی که امپریالیسم آمریکایی و اروپایی به بهانه دفاع از غیرنظامیان قصد دارند به هر وجه ممکن وارد سوریه شوند، این سؤال مطرح می شود که چرا آنان برخوردی گزینشی با انقلاب ها می کنند و چرا غیرنظامیان بحرین را نمی بینند که توسط نظامیان به خاک و خون کشیده می شوند؟؛ در پاسخ باید گفت که پول و نفت تنها عواملی هستند که آمریکا و اروپا را به سمت یک کشور دیگر می کشانند.

وی در پایان توضیح داد: همچنین ناوگان پنجم نیروی دریایی ایالات متحده آمریکا در کشور بحرین قرار گرفته است. این کشور موقعیتی استراتژیک دارد و در بین کشورهای عربستان، عراق، کویت و ایران قرار دارد، بنابراین قیام های مردمی در بحرین و پیروزی شیعیان برای آمریکا گران تمام خواهد شد و این کشور پایگاه اصلی خود در خلیج فارس را از دست خواهد داد. به همین دلیل است که باید گفت سقوط رژیم آل خلیفه به مفهوم سقوط آل سعود و در نتیجه بی اعتبار شدن آمریکا در منطقه است.

آنان برای ادامه تجمعات اعتراضی شان روحیه دهد. وی افزود: ریاض و واشنگتن، بحرین را به عنوان یک هم پیمان کلیدی در حوزه خلیج فارس و سنگری در مقابل ایران می دانند و بر همین اساس، سعی می کنند از ارتباط بین شیعیان در عربستان، ایران و بحرین جلوگیری کنند تا حکومت خود را در خفقانی که بر جامعه حاکم نموده اند، مستقر کنند.

ندی بدران در ادامه تصریح کرد: دغدغه اصلی عربستان سعودی در حال حاضر این است که از نفوذ بیشتر ایران به عنوان بزرگترین کشور شیعی در منطقه جلوگیری کند. هر اصلاحاتی که در بحرین صورت بگیرد، باعث خواهد شد که اکثریت شیعه این کشور قدرت را به دست بگیرند و این به معنای شکستی بزرگ برای وهابیون سعودی خواهد بود. آنان از این هراس دارند که انتقال قدرت در بحرین به شیعیان، اقلیت شیعه عربستان را نیز برای احقاق حقوقشان تحریک کند و وضعیت این کشور نیز مانند سایر کشورهای منطقه به هم بریزد. در حال حاضر که عراق پس از سرنگونی صدام به دست اکثریت شیعه افتاده است و مردم این کشور نیز از ایران حمایت می کنند، عربستانی ها حاضر نیستند که بار دیگر شاهد چنین اتفاقی در بحرین باشند و برای همین با تمام قوا با وقایع بحرین مقابله می کنند.

این استاد علوم اسلامی به نگرانی آمریکا و اروپا از وقایع بحرین نیز اشاره و عنوان کرد: از طرف دیگر، علاوه بر این که این رویدادها رژیم بحرین و عربستان را نگران کرده، دولت های اروپایی و آمریکا را نیز درگیر کرده است. حاکمیت دموکراسی در بحرین باعث خواهد شد که مردم دیگر کشورهای منطقه نیز که در زیر فشار استبداد قرار گرفته اند، هوشیار شوند و علیه سیاست های استبدادی الگو گرفته شده از آمریکا تظاهرات کنند.

وی اضافه کرد: از دیدگاه سیاستمداران غربی، دولت عربستان به عنوان تضمین کننده نفت و اقتصاد آمریکا

گروه بین الملل: انقلاب ملت بحرین یک قیام یتیم در میان تحولات و شلوغی های منطقه است و طرفداران نظام سرمایه داری با استفاده از این تنش ها، قصد دارند بر بحران رژیم آل خلیفه سرپوش بگذارند. ندی بدران (Nada Badran)، استاد دانشگاه اسلامی لبنان، در گفت وگو با (ایکنا) با بیان این مطلب گفت: اوپاما و دولتش که تنها برای منافع خویش جنگ راه می اندازند، رژیم دیکتاتوری آل خلیفه را برای خدمتگزاری برگزیده اند و تا زمانی که این رژیم به دستورات استعمارگران عمل کند، مورد حمایت آمریکا خواهد بود. در همین زمینه است که غرب با استفاده از تنش ها و شلوغی های موجود در منطقه سعی می کند، قیام شیعیان بحرین را بایکوت خبری کند و یا این که آن را کوچک و بی اهمیت جلوه دهد.

وی افزود: تظاهرات مردم بحرین با هدف دستیابی به حقوق اولیه هر شهروند انجام می گیرد. شیعیان بحرین می خواهند که در حوزه سیاسی کشورشان مشارکت داشته باشند و به ارتقای آن کمک کنند. آنان با این هدف و با آرامش کامل به خبایان ها آمدند و برای تحقق اهدافشان در میدان 'مروراید' تجمع کردند. اما رژیم بحرین تصمیم گرفت که این جنبش ملی را از بین ببرد و به صورت وحشیانه تظاهرات مسالمت آمیز مردم را سرکوب کرد. علاوه بر این، رژیم بحرین کمک نظامی عربستان سعودی را نیز به بهانه حفظ امنیت به نیروهای سرکوبگر خود اضافه کرد.

این استاد دانشگاه در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به هدف اصلی استقرار نیروهای نظامی عربستان در خاک بحرین، عنوان کرد: هدف اصلی نیروهای عربستان، سرکوب بیشتر تظاهرات کنندگانی بود که مبارزه ای واقعی علیه استبداد آل خلیفه را آغاز کرده بودند. رژیم آل سعود با نگرانی بسیار زیادی وقایع بحرین را پیگیری می کند؛ چراکه می ترسد این حوادث دامنه تظاهرات اقلیت شیعه استان های شیعه نشین این کشور را زیادتر کند و به

راشد الغنوشی:

طرفدار اسلام میانه رو هستیم

رهبی جنبش اسلامی النهضة تونس با تأکید بر اینکه مردم این کشور شاهد تحقق اسلام میانه رو خواهند بود، نسبت به آینده انقلاب مصر با توجه به حضور گروه اخوان المسلمین در این کشور ابراز خوشبینی کرد.

به گزارش آپسنا، راشد الغنوشی، رهبر جنبش اسلامی النهضة تونس در گفت وگو با روزنامه الرای العام چاپ کویت، عنوان داشت: حزب من که در انتخابات اخیر تونس به پیروزی رسید سعی دارد وجهه اسلام را که در این کشور توسط برخی اقدامات افراطی و تروریستی خدشه دار شده است، تغییر دهد.

وی در ادامه افزود: ما معتقدیم که تونس باید بدون حضور دیکتاتورها اداره شود آنها مردم را می ترسانند تونس در حقیقت بعد از انقلاب به خوبی زندگی می کند چرا که سرنگونی دیکتاتور تونس با کمترین هزینه و به وسیله انقلاب مسالمت آمیز انجام شد.

الغنوشی همچنین تأکید کرد: بعد از این انقلاب شاهد برگزاری انتخابات آزاد و شفاف در تونس بودیم که کسی به نتایج آن اعتراض نداشت. ما همچنین شاهد برگزاری نخستین جلسه مجلس ملی موسسان با حضور تمام گروه های سیاسی در تونس بودیم.

وی در ادامه افزود: انقلاب تونس در حقیقت نتیجه مبارزات نیم قرن گذشته در این کشور بود چرا که تونس ها سال ۱۳۱۷ در مقابل اشغالگران فرانسوی فریاد ما خواهان پارلمان هستیم سردادند و این رویا با تشکیل مجلس ملی موسسان محقق شد.

الغنوشی همچنین تأکید کرد: مجلس های سابق در این کشور به وسیله انتخاباتی سرشار از تقلب تشکیل می شد. مجلس ملی موسسان تونس قانون اساسی جدید کشور را تدوین می کند و بر اهمیت احترام گذاشتن به قانون تأکید دارد.

وی در ادامه افزود: معتقدم که آرزوی تونس ها برای تشکیل کشوری دموکراتیک و جدید در رای دادن به جنبش اسلام گرای النهضة محقق شد تا این تحولات که احزاب حاکم گذشته برای انجام آن شکست خوردند، صورت پذیرد. الغنوشی همچنین تأکید کرد: انتخاب حزب ما توسط تونس ها بیان گر آن است که اسلام گراها بیشترین ضرر و شکنجه را از سوی ظلم و فساد نظام سابق متحمل شده اند. آنها حزب ما را انتخاب کردند تا اخلاق بار دیگر به بخش های مختلف زندگی در تونس از جمله اقتصاد و سیاست بازگردد.

وی در ادامه افزود: وظیفه دولت این نیست که قوانین خود را بر جامعه در راستای اهداف ایدئولوژیک تحمیل کند بلکه باید شرایط را برای تحقق امنیت و صلح اجتماعی و ارائه خدمات بهداشتی به تمام اقشار جامعه فراهم کند.

الغنوشی همچنین تأکید کرد: ما مطمئن هستیم که هیچ ترس و بیمی نسبت به اسلام در تونس وجود ندارد. این دین دین فطری مردم است و مانند کالان نیست که ترس از بین رفتن آن را داشته باشیم. اسلام موافق آزادی و مخالف استبداد است. وی در ادامه افزود: ما تنها مواردی را از اسلام اجرا خواهیم کرد که مردم خواهان اسلام هستند و کسی نمی خواهد آن را به مردم تحمیل کند. جنبش اسلام گرای النهضة جنبشی است که بیشترین شکنجه ها و ظلم ها را تحمل کرده است به همین دلیل به کسی ظلم نمی کند.

الغنوشی همچنین تأکید کرد: در نظام گذشته شاهد آن بودیم که زنان نمی توانستند نوع پوشش خود را انتخاب کنند ما به آنها این آزادی را می دهیم اما به دیگر زنان اجبار نمی کنیم که پوشش اسلامی داشته باشند.

وی در ادامه افزود: ما خواهان آن هستیم که نظام سیاسی در تونس تغییر کند و از نظام ریاست جمهوری که تمام قدرت در دست یک فرد است به نظام پارلمانی منتقل شود چرا که بدین ترتیب قدرت در دست مردم است ما می خواهیم قدرت به پارلمان منتقل شود. برخی با این نظر مخالفند و برخی با ما هم عقیده هستند.

الغنوشی همچنین عنوان داشت: ما اعتراف می کنیم که از تجربه و مهارت زیادی در مدیریت کشور برخوردار نیستیم. چرا که هیچ تجربه معاصر که در برگیرنده حاکمیت اسلام در کشورها باشد وجود ندارد.

وی در ادامه افزود: معتقدیم که تجربه حکومت اسلامی در ترکیه به تجارب ما نزدیک تر است. چرا که روند تاریخی در این کشور شبیه تونس است. درخواست انقلاب تونس مبارزه با ظلم و ایجاد فرصت های شغلی و زندگی مناسب بود و ما درخواست های ایدئولوژیکی مطرح نکردیم.

شرایط انقلاب در تونس با مصر فرق دارد در مصر مسیحیان در اقلیت هستند اما قدرتمندند و ارتش قصد دارد در حکومت باقی بماند.

الغنوشی همچنین تأکید کرد: رژیم اسرائیل در منطقه و معاهده کمپ دیوید مصر را وارد برهه پیچیده ای کرده است ملت تونس ملت یکپارچه ای هستند و مانند مصر اختلاف نظر ندارند و ارتش نیز قصد حکومت ندارد. ما و اخوان المسلمین مصر گرایش های اسلامی داریم در عین حال نسبت به آینده مصر خوشبین هستیم چرا که جریان اسلامی در این کشور میانه رو است.

وی در ادامه افزود: تونس کشوری نیست که تندروها بتوانند در آن فعالیت کنند. در نهایت مشخص شد که نمی توان با استفاده از خشونت مانع به وقوع پیوستن تحولات اجتماعی شد. در حال حاضر در تونس آزادی وجود دارد بنابراین نیازی به اقدامات افراطی نیست. من نمی خواهم یکبار دیگر زین العابدین بن علی، رئیس جمهور مخلوع این کشور را نه در دنیا و نه در آخرت ببینم. الغنوشی در پایان تأکید کرد: ما خواهان اسلام میانه رو هستیم.

گزارش الوفاق از جنایات آل خلیفه علیه کودکان بحرینی

بهداشتی نیز مانع از مداوای ۴۵ کودک بحرینی شده است، همچنین در این مدت عملیات تجاوز به مدارس و بازداشت دانش آموزان و معلمان نیز در بیش از ۱۰ مدرسه صورت گرفته است.

جنبش الوفاق تصریح کرد که بسیاری از کودکانی که مادر آنها بازداشت شده است، از مسایل بهداشتی دچار سختی هستند و در زندان ها به صورت خوبی نگهداری نمی شوند، علاوه بر اینکه نیروهای امنیتی به صدها منزل به صورت شبانه یورش برده و موجبات ترس و وحشت کودکان را فراهم می کنند.

از سوی دیگر هزاران کودک بحرینی نیز در اثر استنشاق گازهای مسموم و اشک آور به صورت روزانه در مناطقی که نیروهای امنیتی به آن یورش می برند، دچار حالت خفگی می شوند.

اداره امور زنان جنبش الوفاق تصریح کرد که در ۱۰ ماه اخیر در بحرین و از زمانی که انقلاب مردمی در این کشور آغاز شد است، حقوق کودکان در وضعیت خطرناک و بغرنجی قرار گرفته است، این اداره از سازمان های بین المللی خواست تا در برابر این تجاوزها ایستاده و تضمین های طبیعی برای زندگی امن کودکان بحرینی را به آنان بدهند.

به گزارش پایگاه خبری جنبش الوفاق بحرین، اداره بخش زنان این جنبش با صدور بیانیه ای به مناسبت روز جهانی کودک اعلام کرد که کودکان بحرینی از بیشترین نقض حقوق و تجاوزها از سوی دولت بحرین رنج می برند.

این بیانیه با اشاره به اینکه جمع آوری اسناد از سوی الوفاق از روز ۱۴ فوریه تاکنون صورت گرفته است، گفت که در همین زمان تجاوزات زیادی علیه حقوق کودکان در این کشور صورت گرفته است. بر اساس این بیانیه کمیته پیگیری الوفاق تاکنون بیش از ۲۵۰ مورد تعرض به کودکان بحرینی را ثبت کرده است که انواع متفاوتی از تجاوزها را شامل می شده است، در این میان ۴ کودک بحرینی تاکنون به دست نیروهای امنیتی رژیم آل خلیفه به شهادت رسیده اند، اسامی این کودکان أحمد شمس، أحمد القطان، علی جواد الشیخ و علی بداح است.

همچنین در این مدت بیش از ۱۳۰ کودک دیگر بحرینی نیز بازداشت شده اند و ۲۰ کودک نیز به علت تجاوز مستقیم در عملیات سرکوب مردم و شهروندان سوری در تظاهرات مسالمت آمیز زخمی شده اند، سختگیری های دولت بحرین در بخش

سید حسن نصرالله؛ الگوی مستضعفان برای رسیدن به کرامت انسانی و آزادی

دبیرکل جنبش حزب الله لبنان نماد مجاهدت برای امت اسلام و آزادگان سراسر جهان است و مستضعفان جهان، امروز با اقتدا به این مجاهد آزاده برای رسیدن به آزادی و کرامت انسانی خود تلاش می کنند.

شیخ "محمد نمر احمد زغموت"، رئیس شورای اسلامی فلسطین در لبنان، در گفت و گو با ایکنا با بیان این مطلب گفت: سیدحسن نصرالله نماد و نمونه موفق یک مجاهد برای مقاومتان جهان اسلام و نیز آزادگان سراسر جهان است و در خارج از کشورهای اسلامی نیز مستضعفان و مظلومانی هستند که برای رسیدن به آزادی و کرامت انسانی خود به ایشان اقتدا می کنند.

وی در ادامه به ناکامی های رژیم صهیونیستی در مقابله با جنبش حزب الله اشاره کرد و گفت: جنبش مقاومت اسلامی لبنان به رهبری سیدحسن نصرالله، رژیم صهیونیستی را در چندین جنگ ناکام گذاشت و این رژیم اشغالگر را در موضع و جایگاهی شرم آور قرار داد.

زغموت تصریح کرد: نخستین پیروزی بزرگ نصرالله در مقابل اشغالگر اسرائیل در سال ۱۹۹۶ میلادی محقق شد، آنگاه که رژیم صهیونیستی در صدد اشغال سرزمین های لبنان برآمد، اما نیروهای مقاوم حزب الله با اقتدار تمام در مقابل آن ایستاده و این رژیم غاصب و خونخوار را شکست دادند.

نویسنده کتاب های "الجهاد فی الاسلام" و "دعوات الانبیاء و رسالات الرسل" در ادامه این گفت و گو اظهار داشت: دومین پیروزی حزب الله در سال ۲۰۰۰ میلادی محقق شد. این بار رژیم

صهیونیستی برای افزایش دخالت های خود در لبنان و اشغالگری بیشتر به این کشور حمله کرد که با مقاومت شدید مجاهدان مومن لبنان مواجه شد و شکست خورده و شرمگین از لبنان خارج شد و این شکستی دردآور برای این رژیم بود. وی خاطر نشان کرد: پیروزی بزرگ و تاریخی حزب الله در مقابل رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۰۶ میلادی محقق شد. این پیروزی یک موفقیت الهی و نصر مبینی برای مقاومتان علیه ظلم و اشغالگری بود، در این جنگ خداوند متعال ملائکه را به کمک مقاومتان مومن فرستاد و با مدد الهی و به طرز معجزه آسایی نه تنها رژیم صهیونیستی بلکه همپیمانان آن در آمریکا و اروپا شکست را پذیرفته و از خاک لبنان خارج شدند.

محمد نمر احمد زغموت درباره جایگاه سیدحسن نصرالله در میان امت اسلام اظهار داشت: پیروزی ها و افتخاراتی که تاکنون سیدحسن نصرالله محقق کرده و مجاهدت های ایشان در حمایت از ملت مظلوم فلسطین و آزادگان جهان، سبب شده است که ایشان در میان مسلمانان بسیار محبوب باشد، این در حالی است که دبیرکل جنبش حزب الله لبنان از روی فروتنی و تواضع، هیچ گاه درباره جایگاه و اهمیت و مجاهدت های خود سخن نمی گوید.

وی به موج بیداری اسلامی در منطقه اشاره و با ذکر آیه ۱۱ سوره الرعد "أَلَلَّهِ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ" (در حقیقت خدا حال قومی را تغییر نمی دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند) گفت: مسلمانان تلاش کردند تا خود را تغییر دهند و

خداوند نیز لطف خود را شامل حال آن ها ساخته و آن ها را در مسیر تغییر قرار داد و در حقیقت، بیداری اسلامی نتیجه مجاهدت مؤمنانی است که از گذشته تاکنون برای رسیدن به آزادی تلاش کرده اند و امروز خداوند متعال تلاش های آنان را به نتیجه رسانده و آن ها را در جهاد با ظالمان پیروز گردانید. رئیس شورای اسلامی فلسطین در لبنان ادامه داد: مسلمانان به این نتیجه رسیده اند که تنها با بازگشت به تعالیم الهی، حفظ وحدت و انسجام اسلامی و به کارگیری تمامی امکانات می توانند در مبارزه با ظلم پیروز شوند و همچنین، برای رفع ظلم و ستم راه و چاره ای جز جهاد و مقاومت ندارند و تجربه جمهوری اسلامی ایران نیز این امر را به خوبی نشان می دهد.

وی اضافه کرد: ظلم و ستم و بی عدالتی امروز آمریکا، اروپا و دیگر مناطق جهان را فرا گرفته است، این در حالی است که حاکمان ظالم در این کشورهایی که مروجان اصلی خشونت و تروریسم هستند، به نرمی سخن می گویند و شعارهای آزادی و دموکراسی را به یکدک می کشند، اما از سوی دیگر با دستی آهنین بر سر ملت های خود و ملل دیگر می کوبند.

رئیس مرکز پژوهش های اسلامی فلسطین در لبنان گفت: نماد و سمبل مجاهدت در دنیای کنونی، مقاومتان فلسطین و لبنان و برادران ما در جمهوری اسلامی ایران هستند که با مجاهدت و انتخاب راه شهادت توانسته اند به آزادی و کرامت انسانی برسند که تجربه مقاومتان حزب الله و فلسطین و ایران نیز این را ثابت کرده و حکومت مقاوم سوریه

نگاهی اجمالی به جنایات روباه پیر در ایران:

سیاهه ای «سیاه» از اقدامات انگلیس در تقویم تاریخ ایران

انحطاط مذهبی در ایران و تسلط بر این سرزمین.

۴- جدا کردن بخشی از بلوچستان از خاک ایران در سال ۱۸۸۷.

۵- تحمیل قرار داد تالبوت (انحصار توتون و تنباکو) به ایران ، این قرارداد با حکم فقیه جامع الشرایط زمان؛ آیت الله میرزایی شیرازی لغو شد.

۶- تحمیل قرار داد لاتاری (تاسیس قمارخانه) به ایران از سوی میرزا ملکم خان که با مخالفت روحانیون ملغی شد. (۱۸۸۹ میلادی)

۷- تحمیل قرار داد داری به ایران برای اکتشافات، استخراج و غارت منابع نفتی در سال ۱۹۰۱.

۸- به انحراف کشاندن انقلاب مشروطیت و زمینه چینی برای اعدام آیت الله شیخ فضل الله نوری.

۹- تحمیل قرار داد ۱۹۰۷ که بر اساس آن ایران بین انگلستان و روسیه تقسیم شد.

۱۰- تحمیل قرار داد ۱۹۱۹ که براساس آن شمال ایران نیز زیر سلطه انگلستان قرار گرفت. این قرار داد با مجاهدت های آیت الله مدرس بی اثر و کمتر از یکسال پس از انعقاد، لغو شد.

۱۱- زمینه چینی، حمایت و پشتیبانی از کودتای رضاخان از طریق سید ضیاء الدین طباطبایی، روزنامه نگاری که عامل سفارت بریتانیا در تهران بود.

۱۲- تحمیل قرارداد گس - گلشائیان در ۱۹۳۳ (۱۳۱۲ شمسی) که قرار داری را ظالمانه تر کرد. بر اساس این قرار داد حق بهره برداری از معادن، جنگل ها، معافیت گمرکی برای کالاهای کشاورزی بریتانیا، استفاده رایگان از نفت ایران برای نیروی دریایی انگلیس و خرید زمین هایی که در آن نفت کشف می شد به قیمت زمین عادی به انگلستان اختصاص یافت. از فروش نفت ، ۲۰ درصد به صورت اقساط به ایران تعلق می گرفت ،

این سیاهه، فقط نگاهی کلی، تیتروار و گذرا به رنجی است که ۱۶۰ سال ملت ایران از اقدامات انگلستان می برد.

پای انگلیسی ها از دوران صفویه به ایران باز شد ، اما از اواسط دوره قاجار، دست اندازی آنها به این سرزمین شدت بیشتری یافت. این تحمیل ها اکثرا با یک حمله نظامی و سپس تحمیل قرار دادهای یکطرفه صورت می گرفت و گاه در شکل سرکوب و منحرف کردن نهضت های اسلامی و ملی. خیانت ها و جنایت های انگلستان به ایران اگر چه قبل و پس از پیروزی انقلاب اسلامی تفاوت بنیادین دارد و آن هم به دلیل ایستادگی ملت ایران در طول ۳۳ سال گذشته است ، اما از خبالت حکومتی که در ایران بسیار منفور است نکاسته و تنها شکل های مختلفی به خود گرفته است. اکنون فهرستی از جنایات و ظلم های انگلستان به ایران می آید و این فقط نگاهی کلی تیر وار و گذرا به رنجی است که ۱۶۰ سال ملت ایران از اقدامات انگلستان انگلستان می برد.

۱- جدا کردن افغانستان از ایران در سال ۱۸۵۷ بر اساس پیمان پاریس.

۲- تحمیل قرارداد رویتز (۱۸۷۲) که بر اساس آن، ایران به مدت ۷۰ سال کاملا به انگلستان فروخته شد. این قرارداد با مخالفت حاج ملا علی کنی؛ روحانی روش ضمیر باطل شد اما انگلیسی ها مخفیانه به غارت منابع ایران مشغول شدند. قرار داد رویتزر انحصار استفاده از معادن، جنگل ها، گمرکات و حق کشتیرانی رایگان در کارون را به انگلیسی ها می داد و عملا ایران را به مستعمره انگلیس تبدیل می کرد.

۳- ایجاد فرقه های ضاله بابیت و بهائیت به قصد

نیز این مسئله را دوباره به اثبات خواهد رساند. رئیس شورای اسلامی فلسطین در لبنان در ادامه، درباره تلاش مقاومت حزب الله برای تحقق وحدت ملی لبنان تأکید کرد: حزب الله با به کارگیری تمامی شیوه ها و امکانات و با پیروی از امام خمینی (ره) سعی می کند تا وحدت را در جامعه لبنان محقق کند.

محمد نمر احمد زغموت اظهار داشت: امام راحل بارها تأکید کردند که انقلاب ایران، انقلاب شیعیان و یا سنی ها نیست بلکه انقلابی اسلامی است و این سخن امام (ره) خط مشی ایشان را نشان می دهد که حزب الله تلاش می کند این خط مشی را شیوه خود در تحقق بخشیدن به وحدت و همدلی در لبنان قرار دهد.

وی در ادامه انقلاب مصر را انقلابی بزرگ خواند و خاطر نشان کرد: انقلاب مصر اگر در جهت درست خود حرکت کند می تواند از مصر همانند حزب الله و مقاومت فلسطین و ایران خاری در چشمان رژیم صهیونیستی و حامیان این رژیم غاصب بسازد.

رئیس شورای اسلامی فلسطین در لبنان در پایان این گفت و گو، با تأکید بر این که سیدحسن نصرالله، دبیرکل جنبش حزب الله لبنان، نماد و سمبلی از مجاهدت برای مبارزان مسلمان در دوران معاصر است، گفت: ایشان تاکنون تکلیف شرعی خود در مبارزه با ظلم و استکبار را به بهترین شکل انجام داده است و ما از خدای متعال می خواهیم تا به ایشان قدرت مقاومت و مبارزه با توطئه های دشمنان جهان اسلام و اسرائیل را عنایت فرماید.

۲۳- حمایت و پشتیبانی از سلمان رشدی، نویسنده کتاب موهن آیات شیطانی، انگلیسی ها سفارش دهنده، منتشر کننده و حامی کتاب و نویسنده اش بوده و هستند.

۲۴- آموزش و تجهیز و پشتیبانی از بمب گذاری و دیگر اقدامات تروریستی در خوزستان و سیستان و بلوچستان در طی سال های پس از اشغال افغانستان و عراق.

۲۵- حمایت از فتنه ۸۸ از طریق سفارتخانه اش در تهران، شبکه های رسانه ای همچون بی بی سی و راه اندازی شبکه های مختلف رسانه ای فارسی زبان در جهت براندازی نظام جمهوری اسلامی و انحطاط مذهبی ملت ایران. در جریان فتنه ۸۸ چند جاسوس انگلیسی که به تحریک فتنه گران نیز می پرداختند دستگیر و محکوم شدند، از کارکنان سفارت انگلیس در تهران بودند.

۲۶- مشارکت فعال و اثر گذار در تحریم های ایران طی ۳۳ سال گذشته.

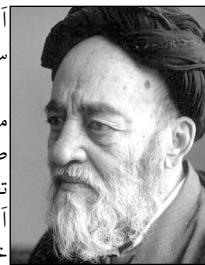
۲۷- زمینه چینی برای ترور دانشندان هسته ای ایران (سخنان جان ساورز و اقدامات کوپر معاون اشتون)

۲۸- حمایت از براندازان نظام جمهوری اسلامی ایران از طریق دادن پناهندگی و مجوز اقامت دائم به آنها.

۲۹- تجاوز ناوگان دریایی انگلیس به حریم دریایی ایران که به دستگیری تفنگداران دریایی آنها از سوی مرزبانان ایرانی منجر شد.

۳۰- اشغال غیر قانونی باغ قلهک در تهران. به این فهرست موارد بسیاری دیگر می توان افزود. نکته اینجاست که چرا بساط چنین حکومت جنایتکاری تاکنون از ایران جمع نشده است؟! گردآوری از قاسم رحمانی- فارس

اثبات اعجاز گری قرآن دلیل ماندگاری المیزان علامه طباطبایی در گذر زمان



حجت الاسلام والمسلمین مهدی احدی، رئیس موسسه تفسیری جوادالائم (ع) روش تفسیر علامه طباطبایی (ره) را پدیده ای نو خواند و به خبرنگار شبستان گفت: این روش به دلیل برخورداری از چند بعد اثر گذار پدیده خوانده می شود نخست آنکه مبتنی بر شیوه آیه به آیه یا قرآن به

آدمی حجاب دارد حال آنکه قرآن و سنت را هیچ حائل و حجابی نیست. حجت الاسلام احدی با بیان این مطلب که تفسیر قرآن علامه طباطبایی (ره) مرکب است نه بسیط تصریح کرد: این امر از نگاه عرفی به آیات قرآن ناشی می شود چراکه خداوند در نزول آیات وحی نگاه

قشری نداشته بلکه عموم مردم را در نظر گرفته است، از طرف دیگر تفسیر آیه به آیه کتاب الهی باعث می شود ارتباطی پیوسته میان ابتدا، میانه و انتهای مصحف شریف برقرار شود تا مخاطب دریابد که این قسمت ها نه تنها با یکدیگر در تعارض نیستند بلکه در ارتباطی تنگاتنگ با یکدیگر نازل شده اند.

استاد دروس خارج حوزه علمیه قم ادامه داد: شاید مهمترین ویژگی که تفسیر علامه طباطبایی (ره) را علی رغم گذشت سه دهه از رحلت منحصر و ماندگار کرده این است که اعجاز قرآن را اثبات می کند.

وی عنوان کرد: بدون تردید اکثر تفاسیر انجام شده از آیات وحی پس از علامه طباطبایی (ره) از شیوه وی متأثر است که تفاسیر نمونه، نور،

قرآن است یعنی مفسر مفهوم و محتوای هر آیه را با استناد به خود آن آیه دریافته و بیان کرده است، دیگر آنکه در فهم این آیات از روایات ائمه معصوم (ع) نیز بهره گرفته یعنی قرآن و عترت (ع) دو منبع اصلی علامه در بیان تفسیر آیات وحی بوده اند.

وی اظهار کرد: پاسخ دهی به شبهات علمی دنیا از دیگر عواملی است که تفسیر علامه طباطبایی (ره) را به پدیده تبدیل کرده است به ویژه در مباحث اعتقادی، جامعه شناسی، کلامی، فلسفی و روانشناسی آنهم در قلمرو دین و مکتب اهل بیت (ع) به گونه ای که خود علامه در جلد پنجم از تفسیر المیزان می گوید اگر روزی ببینم قانون های عقلی بشر با وحی و مکتب ائمه (ع) در تعارض است آنها را کنار می گذارم چراکه قفل

گفتگویی با معاون بین الملل مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی



معاون بین الملل مرکز نور با بیان این که کار اصلی این مرکز تولید نرم افزارهای علوم اسلامی است، تصریح کرد: این مرکز توانسته در تمام مدخل های علوم اسلامی، عقاید، فلسفه، کلام، جغرافیا، طب اسلامی، ادبیات و شعر، اصول و فقه بیش از ۴۰۰ نرم افزار همراه با آثار اندیشمندان و بزرگان دین اسلام تولید و در اختیار علاقمندان علوم اسلامی قرار دهد.

مس چپی خاطرنشان ساخت: تولید نرم افزارهایی از آثار علمای بزرگ جهان اسلام، با بیش از ۵۰ اثر از بزرگانی همچون مجلسین، محدث قمی، ابن سینا، مجموعه آثار شیخ بهایی، فاضلین نراقی، کلینی، مجموعه آثار شیخ مفید، شیخ طوسی، آیت الله خوئی و آیت الله بهجت و .. در دست اقدام است.

۱۸ پایگاه اطلاع رسانی اسلامی تولید شده است

وی با اشاره به این که بسیاری از نهادهای فرهنگی در خواست خدمات نرم افزاری از این مرکز را دارند گفت: کنگره آخوند خراسانی و کنگره بزرگداشت مرحوم آیت الله گلپایگانی درخواست تولید نرم افزارهای کاربردی را داشتند که در حال تولید است؛ البته نرم افزارهایی برای کنگره شرف الدین، نراقیین و نیز مجلسین تولید شده است.

معاون بین الملل مرکز کامپیوتری اسلامی با اشاره به تأسیس پایگاه های مختلف این مرکز در شبکه اینترنت، اضافه کرد: تاکنون ۱۸ پایگاه اطلاع رسانی اسلامی و مجلات اسلامی در سه فاز فارسی، عربی، انگلیسی ایجاد شده است.

ایجاد ۶ میلیون صفحه اطلاعات اسلامی در وب

مس چپی خاطرنشان کرد: مجلات فارسی جهان اسلام که از حدود ۱۴۰ سال پیش تاکنون تولید و انتشار یافته توسط متخصصین و محققین این مرکز احصا گردید و بیش از ۶۰۰ هزار مقاله همراه با ۶ میلیون صفحه اطلاعات بر روی شبکه وب با گرایشهای مختلف علمی، تاریخی، فلسفی و روان شناسی در اختیار علاقمندان به علوم

راهنما و حتی دانشنامه ها و فرهنگ نامه های قرآنی تدوین شده شاهدهی است بر این مدعا. حجت الاسلام احدی با اشاره به سخن آیت الله جوادی آملی مبنی بر اینکه شیوه تفسیر علامه طباطبایی (ره) هم مدنیت و هم عقلانیت را به ما آموخته است، ابراز کرد: این یعنی در گفتار، رفتار، نوشتار و دیدار با قرآن عقلانه عمل کردن در حقیقت ما با این روش با شبهه و هوا و هوس وارد میدان وحی نمی شویم بلکه به گونه ای عمل می کنیم که جهل و نادانی ما از میان رفته و قلب و اندیشه ما مملو از خوبی ها شود.

وی با بیان این مطلب که در برخورد با خداوندی که بر همه مکونات قلبی ما آگاه است باید اندیشه درونی خود را پالایش کنیم گفت: اینکه علامه طباطبایی (ره) بر ارائه تفاسیر جدید از قرآن هر دو سال یک بار توصیه و تاکید کرده است از وجود برخی آیات خاص که متناسب با زمان باید تعبیر و تفسیر شوند نشأت می گیرد چراکه برخی از آیات همچون آیات تدبیر نیازمند آن هستند که در بستر زمانی و مکانی تفسیر شوند چراکه هر عقلی توان فهم بخشی از این آیات را در ظروف خاص زمانی و مکانی دارد.

اسلامی قرار گرفته است. **برگزاری ۱۲ نمایشگاه تخصصی در قاره های مختلف** مس چپی خاطرنشان ساخت: از ابتدای سال جاری تاکنون حدود ۱۲ نمایشگاه تخصصی از سوی این مرکز در کشورهای بوسنی و هرزگوین، ترکیه، اندونزی، آمریکا، افغانستان، ایالات متحده عربی و آلمان برگزار شده است و تا آخر سال نیز در کشورهای عراق، آلمان، فرانسه، قطر، تونس، پاکستان، چین و پاکستان، نمایشگاه هایی برپا خواهد شد.

معاون بین الملل مرکز نور با اشاره به نحوه خدمات رسانی به مشترکین، اظهار داشت: خدمات رسانی های فرهنگی به کاربران پیرو تصویب دفتر مقام معظم رهبری مبنی بر توسعه فعالیت های فرهنگی، برای اساتید طلاب و روحانیون و دانشجویان و اقشار فرهنگی تا ۵۰ درصد تخفیف در نظر گرفته شده است تا علاقمندان بتوانند این محصولات را در اختیار داشته باشند.

پذیرش سفارش های متعدد از کشورهای اروپایی

مس چپی با اشاره به سفارش کشورهای خارجی، یا آور شد: در این راستا نرم افزارهای معارف اسلامی به زبان های ترکی، استانبولی، روسی، آذری تولید و نرم افزارهایی به زبان انگلیسی، اسپانیولی، اردو و بوسنیایی در دست اقدام می باشد.

وی ادامه داد: برای تسهیل ارتباطات با خارج کشور نمایندگی هایی را در برخی کشورها برای دریافت سفارش و فروش نرم افزارهای اسلامی ایجاد شده است.

تبلور وحدت حوزه و دانشگاه معاون بین الملل مرکز نور در پایان گفت: این مرکز تبلور وحدت حوزه و دانشگاه و وحدت جهان اسلام مورد نظر مقام معظم رهبری می باشد و با گردآوری آثار بزرگان اهل سنت و شیعه و تولید نرم افزارهای مختلف مورد تقدیر قرار گرفته است.

امام جمعه شهرستان خوی:

کنگره بین المللی آیت الله العظمی

خوبی برگزار شود

امام جمعه خوی در جلسه شورای فرهنگ عمومی خوی بر برگزاری کنگره بین المللی برای حضرت آیت الله العظمی خویی (ره) تأکید کرد.

بیست و یکمین جلسه شورای فرهنگ عمومی شهرستان خوی با حضور اعضا و به ریاست حجت الاسلام سید رضی موسوی شکوری در حسینیه دفتر امام جمعه خوی برگزار شد.

حجت الاسلام شکوری با تأکید بر مفاخر علمی شهرستان خوی در طول تاریخ همچون حضرت آیت الله خویی (ره) اذعان داشت: در معرفی ابعاد شخصیتی آن عالم ربانی لازم است کنگره بین المللی با حضور مسؤولان نظام، شاگردان، مریدان، مقلدان، خاندان و نوادگان آن مرحوم برگزار شود.

وی بر تشکیل یک هیأت قوی و کارآمد جهت فراهم سازی مقدمات این کنگره ملی تأکید کرد و پیشنهاد داد: یک شورای مشورتی و سیاستگذاری با حضور جمعی از مسؤولان فرهنگی، علمی، سیاسی و اجتماعی شهرستان خوی، عده ای از مسؤولان سیاسی، فرهنگی و علمی مرکز استان، جمعی از شاگردان، مریدان و مقلدان آن بزرگوار از تهران، چند نفر از خاندان و نوادگان مرحوم آیت الله العظمی خویی و همچنین عده ای از بیوت مراجع عظام و شاگردان آن بزرگوار از حوزه های علمیه نجف، قم و مشهد تشکیل شود.

رئیس شورای فرهنگ عمومی خوی بر راه اندازی دبیرخانه در یکی از شهرستان های قم، تهران و خوی تأکید کرد و گفت: انجام ملاقات با رهبر معظم انقلاب و سران قوا، کمیته بندی هیئت و تقسیم کار و همچنین تعیین حدود فعالیت ها و برآورد هزینه های مربوطه از جمله اقداماتی است که لازم است دبیرخانه کنگره در دستور کار قرار داده و نسبت به انجام مقدمات آن اقدام کند.

وی در ادامه تحلیل و بررسی تاریخ فرهنگی و سیاسی خوی، خوی در عصر آیت الله خویی (ره)، علل و انگیزه های هجرت آن بزرگوار از خوی، ویژگی های اساتید آیت الله خویی (ره)، مرجعیت حضرت آیت الله خویی (ره)، حوزه نجف در عصر آیت الله خویی (ره)، تبیین جایگاه آیت الله خویی (ره) در علوم فقه، اصول، رجال و تفسیر، تحلیل مبانی و ابتکارات آیت الله خویی (ره) در فقه، اصول و رجال، تبیین ویژگی های تدریس و همچنین آمار شاگردان ایشان را به عنوان موضوعات اساسی جهت پژوهش و بررسی در کنگره پیشنهاد داد.

امام جمعه خوی همچنین تألیفات و تقریرات آیت الله خویی (ره)، دیدگاه ها و مبانی سیاسی ایشان، آیت الله خویی (ره) و انقلاب اسلامی ایران، آیت الله خویی (ره) و رژیم بعث عراق، آیت الله خویی (ره) و اجازات، جمع آوری خاطرات شاگردان، مکاتبات علمی و سیاسی ایشان، شاگردپروری آیت الله خویی (ره)، آیت الله خویی (ره) و ولایت فقیه، آیت الله خویی (ره) و حراست از حوزه هزار ساله نجف، آیت الله خویی (ره) از دیدگاه دانشمندان، آیت الله خویی (ره) از دیدگاه ولی امر مسلمین و مؤسسات خیریه ایشان را از دیگر موضوعاتی برشمرد که لازم است مورد بررسی و پژوهش جدی قرار گیرد.

وی در پایان تأسیس یک مرکز پژوهشی به نام آیت الله خویی (ره) در شهرستان خوی را ضروری دانست و گفت: شناسایی کتب خطی در زمینه تاریخ خوی و شرح زندگی دانشمندان خوی، چاپ کتب خطی علمای گذشته شهرستان خوی و همچنین نامگذاری خیابان ها، میادین و مراکز علمی شهر به نام علمای خوی از جمله اقداماتی است که می تواند در حاشیه برگزاری کنگره صورت پذیرد.

Besatonline@gmail.com